

تسخیر جاسوسخانه آمریکا گامی بود در جهت تعمیق انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ۲۲ بهمن

صفحه ۲

فیلم «مذاکرات محرمانه» درباره «مسأله گروگانها» را تهیه و از تلویزیون پخش کنید!

نشریه «امت» در شماره مورخ ۱۳ بهمن ۵۹ خود، از فیلم مستندی سخن میگوید که از شبکه تلویزیونی «ای. بی. سی» آمریکا پخش شده و در آن «مذاکرات محرمانه» برخی شخصیت‌های ایرانی با مقامات آمریکائی در مورد مسأله جاسوسان آمریکائی افشا شده است.

در این فیلم از مذاکرات پنهانی و محرمانه صادق قطب‌زاده با فرستاده ویژه کارتر، هامیلتون جردن، در تیرماه ۱۳۵۹ و نیز از ملاقاتهای پنهانی صادق

بقیه در صفحه ۴

از اسناد افشا شده توسط دانشجویان مسلمان پیرو خط امام:

ما میخوایم بازارگان را قدرت دهیم

«چگونه روابط نظامیان را توسعه دهیم. ایرانیها در مورد سپرده مالی‌شان در مقابل فروشهای نظامی سوختن دارند. آنها به قطعات یدکی و حفاظت تکنیکی نیازمندند، ولی برای مسائل سیاسی می‌ترسند که از ما تقاضا کنند. ما می‌خواهیم مسئولانه بر روی مسائل نظامی کار کنیم تا اینکه بازارگان را قدرت دهیم و مطمئن باشیم که برای اوضاع آینده سیاسی مملکت دوستانی در ارتش داریم که ممکنست در مضللات سیاسی مملکت راهگشا باشند».

(افشاگریهای دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، شماره ۳، صفحه ۶۸)

راه آمریکا از طریق اروپای غربی

«آماده برای تحویل قطعات یدکی دستگاههای قبلی که ارزششان از هیلین دلار کمتر است، باشد و اگر ایران مایل بود قطعات یدکی را از مجاری دیگری تامین کند، اجازه دهید که از کشورهای دوست و پیشرفته جهان سوم مثل ایتالیا قطعات یدکی هلیکوپتر را تامین کنند».

(افشاگری شماره ۳، صفحه ۶۸)

تکرانی آمریکا از تلاش برای ملی کردن بازارگانی خارجی

«کوشش دولت را برای ملی کردن تجارت‌های خصوصی و جریانات تولیدی در قسمت شرکتهای ملی شده را گزارش دهید».

(افشاگری شماره ۳، صفحه ۱۰۷)

چرا امر ملی کردن بانکها در نیمه راه متوقف ماند؟

صفحه ۲

امام خمینی:

هشدار میدهم که اگر از این اختلاف اندازها پیروی کنید، مملکت شما به دامن آمریکامی افتد

«هر شخصی که در این کشور مسئول کاریست، تضمین بشود، هر ازگانی که در این کشور مشغول خدمت است، تضمین بشود، این تضمین همه است. اگر احساس وظیفه بشود، من به هر کس هر چه بگویم، پیروی کنم. امروز هر دعوت به بیگاری و کم کاری و هر دعوت به اعتصاب خیانت به این کشور است».

دیروز امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، در برابر گروهی از مردم سخنان مهمی ایراد کردند.

امام خمینی، ضمن اشاره به اهمیت پیشرفت اقتصاد کشور و لزوم فداکاری برای افزایش تولید بقیه در صفحه ۴

نامه



ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۴۳۷ پنجشنبه ۱۶ بهمن ۱۳۵۹، مطابق با ۲۹ ربیع الاول ۱۴۰۱ - بها ۱۵: ریال

نیروهای انقلابی در اصفهان موفق شدند ولی تحریک برای تحصن و اعتصاب و تخریب ادامه دارد

ما باردیگر به همه مردم وفادار به انقلاب، بویژه به کارگران اصفهان و همچنین به پزشکان متعهد، هشدار میدهم که با توجه به شرایط فوق‌العاده حساس کشور، در دام ضدانقلاب، لیبرالها و مائوئیستها نینتند و از هرگونه تحصن، اعتصاب، تشنج، آشوب و درگیری پرهیز کنند.

همه این اخبار تکرانی آورد حاکی از آنست که لیبرالها و مائوئیستها، یا پشتیبانی ضد انقلاب، با تمام قوا میکوشند که بویژه در اصفهان، که یکی از پایگاههای اصلی مسلمانان انقلابی است، تشنج و درگیری ایجاد کنند و این منطقه حساس را به آشوب بکشانند.

ولی اخبار رسیده حاکیست که تحریکات برای اعتصاب کشاندن پزشکان و کارگران پلاستیک همچنان ادامه دارد. علاوه بر این، تحریکاتی نیز برای اعتصاب کشاندن «کانون کارآموزان» انجام میگردد. طبق اخبار رسیده - همانطور که دیروز هشدار دادیم - در کمال امیدواری و بروجن حمله شده.

پیرو هشدار که در شماره دیروز درباره وجود تحریکات برای اعتصاب کشاندن پزشکان دادیم، اینک خبر میرسد که نیروهای انقلابی موفق شده‌اند که این تحریکات را فعلاً خنثی کنند. در همان حال با تلاش نیروهای انقلابی تحریکات برای اعتصاب - کشاندن کارگران پلاستیک نیز خنثی شد.

احمد غضنفر پور «آزادی» را برای استقرار فاشیسم می‌خواهد

اعتراض اکثریت نمایندگان بدرفه سخنان او شد. این مائوئیست مسلمان‌ها در دفاع از «آزادی» گریبان چاک نمود و هدف از «آزادی» مورد نظر خود را چنین توضیح داد:

بقیه در صفحه ۴

احمد غضنفر پور در جلسه روز ۱۵ بهمن ۵۹ مجلس شورای اسلامی، سخنانی ایراد کرد، که اگر توفیق ایراد این خطابه را در مجلس رستاخیزی «آریامهر» یافته بود، مسلماً با هلبله و احسنت نمایندگان آریامهری دربرو میشد. ولی از بخت بد او، ختم و

بر اساس اطلاعیه ۳۹۴ ستاد مشترک ارتش:

دههاتن از تجاوزگران صدامی به هلاکت رسیدند

در ادامه نبرد دلاوران جمهوری اسلامی ایران بر ضد تجاوزگران صدامی در روز ۱۳ بهمن ۵۹ مواضع دشمن در جبهه‌های غرب و جنوب زیر شدیدترین آتش نیروهای جمهوری اسلامی ایران قرار گرفت. ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران در اطلاعیه ۳۹۴ خود از جمله اعلام داشت:

در این روز نبرد در جبهه‌های غرب با مبادله آتش توپخانه و سلاحهای سنگین همچنان ادامه داشت و در یکی از جبهه‌های ایلام رزمندگان نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران مواضع دشمن را زیر آتش شدید توپخانه سدهستگاه تانک عراقی را به آتش کشیده و منهدم کردند. همچنین مواضع ارتش صدام در منطقه پنج‌وین زیر آتش نیروهای خودی قرار گرفت.

مبادله آتش توپخانه و خمپاره‌انداز در جبهه آبادان نیز ادامه داشت. ۲ دستگاه تانک سدهستگاه خودروی مهمات یک قبضه سدهوایی، یک انبار مهمات یک پست دیده‌بانی و تعداد زیادی از سنگرهای دشمن منهدم شد. بقیه در صفحه ۴

درخواست آزادی استانی کل کشور

به وضع مالی «نامه مردم» و «میزان» و نیز به درآمد و دارائی رهبران حزب توده ایران و «نهضت آزادی ایران» رسیدگی کنید!

روزنامه «میزان» باردیگر با به‌نمایش گذاردن «اخلاق اسلامی» خود، که به هیچ‌گونه موازین انسانی و اخلاقی‌بایند نیست، در شماره ۱۵ بهمن ماه ۵۹ خود، ضمن طرح دیگر باره مسأله درآمد مالی حزب توده ایران و «نامه مردم»، «دکک» کننده اصلی، به حزب توده ایران را «روسیه» نامیده است. ما پاسخ دادن به این افتراهای «میزان» را در شان نامه «مردم» نمیدانیم. گذشته از آن، در این مورد اصولاً نیازی به معرفی چهره «میزان» نمی‌بینیم. آنرا که عیان است، چه حاجت به بیان است. بقیه در صفحه ۴

خبرگزاری شوروی (تاس)، اظهارات مقامات آمریکائی را بر ضد اتحاد شوروی،

«اغفالی ناهنجار و کین توزانه» خواند

صفحه ۷

رای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

آقای شهردار تهران! از دامهای ضد انقلاب حذر کنید!

تحقیق کننده شایعات در روزنامه اطلاعات (مورخ ۱۱ بهمن ۱۳۵۹)، شنیده است که میگویند: شهردار جدید تهران توده‌ای است! او برای تحقیق درباره صحت و سقم شایعه، به وی مراجعه میکند و شهردار برای اثبات اینکه توده‌ای نیست، بجای اینکه صاف و ساده در بر حزب توده ایران میکشاید و بدین طریق ظاهر خود را از «تپام» تبرئه میسازد، ولی در واقع در دامی که ضد انقلاب در مقابل وی پهن کرده است، گرفتار میشود!

ضمناً تحقیق کننده شایعات در روزنامه اطلاعات هم که می‌خواهد بدینوسیله شایعات ضد انقلاب را خنثی کند، با چاپ اظهارنظر شهردار تهران، علیرغم نیت خود، متأسفانه در همین دام افتاده است. این یکی از شگردهای نه‌چندان جدید ضد انقلاب است که هرگاه فرد مسئولی در مبارزه با امپریالیسم و بیرون خط سازش با امپریالیسم، از خود پیگیری نشان داده، او را به توده‌ای بودن متهم میسازد و بدین طریق میکوشد با یک تیر چند نشان بزند:

نخست، با بهره‌گیری از تبلیغات ده‌ساله دستگاه‌های تبلیغاتی امپریالیسم، رژیم شاه ملعون، «سیاه» ساراک و موساد، انتلیجنس سرویس علیه توده‌ای‌ها، که بیشک تأثیر شوم خود را بر اذهان مردم نهاده است، میکوشد فرد مورد «تپام» را، که وی نیز از تأثیر این تبلیغات مسموم ده‌ساله، پرکنار نبوده است، به تزلزل وادارد و گامهای وی را در جهت مبارزه با امپریالیسم و بسود منافع مستضعفین و علیه مستکبرین، سبقت کند و سرانجام - اگر بتواند - او را به اردوی خود، یعنی خط سازش با امپریالیسم بکشاند، اگر رادیو و پخش و رادیو اسرائیل و نیز نمایندگان انصارات آمریکائی چون کارتر و ریگان، هر کس را که در مقابل توطئه‌های امپریالیسم آمریکا مقاومت می‌کند و در جهت تحکیم استقلال ایران میکوشد، «توده‌ای» می‌خوانند، همین نظر است.

۲ - اگر هدف فوق پدست نیاید، ضد انقلاب امیدوار است که حداقل بتواند فردی را که به وی برچسب «توده‌ای» میزند، علیه حزب توده ایران برانگیزد و او را به توهین و حاکمی علیه توده‌ایها وادارد. نتیجه مستقیم چنین عکس‌النظمی آنستکه، میان نیروهای انقلابی و مترقی، که علیه امپریالیسم پسرکردگی امپریالیسم آمریکا و ایادی داخلی، می‌رزند، جو خصومت و درگیری پدید آید و اتحاد

میان نیروهای انقلابی، که برای حفظ انقلاب و تحکیم و گسترش دستاوردهای آن اهمیت حیاتی دارد، خدشه‌دار شود و به تفرقه و چندپارگی بدل گردد. قنقنه و قلمبا و زینابا، که باید همگی علیه شیطان بزرگ و شیطانهای کوچک متوجه شوند، از این آماج منحرف گردند و بسوی یکدیگر نشانه روند. البته ضد انقلاب به تجربه دریافته است که توده‌ای‌ها را پیچوپچه به چنین دامی نمی‌تواند بکشاند، اما عکس‌العمل افرادی نظیر شهردار تهران نشان میدهد که متأسفانه هنوز این شگرد ضد انقلابی برای ایجاد تفرقه و تحریک در میان نیروهای ضد امپریالیست و انقلابی، موثر است.

باید گفت که متأسفانه بسیاری از مسلمانان انقلابی، در این زمینه تاچابل کمتر از خود بردباری و هشیارگی نشان داده‌اند و بسا اوقات تیر ضد انقلاب، که بسوی آنها پرتاب شده است، به هدف اصابت کرده است.

شهردار تهران خود خوب میداند که «توده‌ای» نیست. حزب توده ایران نیز میداند که شهردار تهران توده‌ای نیست. ضد انقلاب هم میداند که شهردار تهران توده‌ای نیست. شهردار تهران نیز میداند که ضد انقلاب بخوبی آگاه است که وی توده‌ای نیست، اما با تمام این اوصاف شهردار تهران به دامی که ضد انقلاب برایش تدارک دیده، می‌افتد و حزب توده ایران را - همانگونه که ضد انقلاب میخواهد - مورد عتاب و توهین قرار میدهد.

باز هم تکرار می‌کنیم: این دام ضد انقلاب است. ما هیچگاه به این دامها گرفتار نمی‌شویم. شما هم از آنها حذر کنید.

نظارات آقای محسن رضائی، عضو شورای فرماندهی سپاه پاسداران (جمهوری اسلامی) مورخ ۱۳ بهمن ۵۹) و سرمقاله صبح آزادگان، ۱۳ بهمن ۵۹ نیز نشان میدهد که هر چند ضد انقلاب در هدف نخست خود موفق نبوده است، ولی توافقه است این بخش از مسلمانان انقلابی و ضد امپریالیست را به اظهار مطالب خلاف واقع و توهین و اقرا علیه حزب توده ایران بکشاند و بدام تفرقه‌افکنی خود گرفتار سازد.

ما استدالات پیشین را تکرار نمی‌کنیم و امیدواریم که تذکرات فوق مورد توجه آقای رضائی و سرمقاله نویس صبح آزادگان، نیز واقع شود و این تفرقه ضد انقلاب نیز با برخورد هشیارانه و مسئولانه آنان، بی‌اثر گردد.

درخواست از دادستانی ...

بقیه از صفحه ۱

اما لازم میدانیم که از فرصت پدست آمده استفاده کنیم و به مناسبت طرح دیگر باره مساله درآمد مالی نامه «مردم» و «حزب توده ایران» از طرف «میزان»، در دادستانی کل کشور درخواست کنیم که به وضع مالی نامه «مردم» و «میزان» و نیز به دارائی رهبران «حزب توده ایران» و «نهضت آزادی ایران» رسیدگی کند.

بنظر ما هیشی مرکب از یک نماینده از طرف حزب توده ایران، یک نماینده از طرف «میزان» و «نهضت آزادی ایران» و یک نماینده از طرف دادستانی کل کشور می‌تواند این بررسی را آغاز کند و نتیجه تحقیق خود را برای آگاه‌نآگاهان منتشر سازد.

بنظر ما بررسی منبع درآمد «میزان» و «نهضت آزادی ایران» و دارائی گردانندگان آنها به روشن شدن بسیاری حقایق کمک خواهد کرد. همانطور که بررسی منبع درآمد نامه «مردم» و «حزب توده ایران» و دارائی رهبران «حزب توده ایران» باعث تبلیغات ضد توده‌ای «میزان» را نشا خواهد نمود.

فیلم مذاکرات ...

بقیه از صفحه ۱

طبیعتی با هلموت اشعیت و فرستاده گارتز در آلمان قدرار برده برداشته میشود.

نامه در پایان از «مردم» نیروها و نهادهای انقلابی و نمایندگان مجلسی میخواهد که این مساله را پیگیری کنند و خواهان تهیه و پخش هر چه سریعتر فیلم مذاکرات محرمات از شبکه تلویزیونی سرتاسری گردند.

بنظر ما نیز تهیه و پخش این فیلم، برای ارتقاء آگاهی ضد امپریالیستی مردم و شناساندن تلاشهای ضد خط امام و ضد مصالح انقلاب ایران، اهمیت فراوان دارد.

تصحیح و پوزش

- با کمال تاسف در شماره دیروز نامه «مردم» مزار دکتر ارانی «ابن بابویه» ذکر شده، که صحیح آن «دامادزاده عبدالله» است.

- در دلوح افتخاره مندرج در شماره ۴۳۵، نام رفیق شهید معزین ناری، اشتباهاً «خورن نادری» چاپ شده است.

- بدینوسیله پوزش می‌طلبیم.

منتشر شد

پوشش و پاسخ شماره ۱۰۵ (۲۰)

احسان طبری شکنجه و امید پانقله جدید

سخت استقلال ما را مورد تهدید قرار داده است. مائوئیست مسلمان‌ها که صفحات روزنامه انقلاب اسلامی عرضه و تاخ و تاخ او علیه انقلاب، علیه مسلمانان مبارز و همه نیروهای انقلابی، از جمله حزب توده ایران است، و تریبون مجلس شورای اسلامی را وسیله رویارویی با خط امام خصمی و خواست امام خمینی قرار داده، باز هم از فقدان آزادی می‌نالند. اگر آزادی نبود و به‌وفور نبود، چگونه قلم غضنفری می‌توانست، صفحات پیششار در سطح انقلاب سیاه کند، چگونه او قدرت می‌یافت که در مجلس شورای اسلامی، برخلاف اهداف ضد امپریالیستی مردمی انقلاب سخن گوید؟ لیرال مائوئیست‌ها آزادی را فقط برای تحویل مجدد کشور ما به امپریالیسم و استقرار فاشیسم میخواهند. اما ما مردم بیکارجو، استقلال طلب، ضد امپریالیست و آزادیخواه ایران وجود دارند، این آزادی را به لیرال - مائوئیست‌ها نخواهند داد.

امام خمینی ...

بقیه از صفحه ۱

و حفظ نظم در کارخانه‌ها گفتند: نامروز هر دعوت به یکجاری و همکاری و هر دعوت به انتصاب خیات به این کشور است.

امام خمینی با تأکید بر ضرورت وحدت، گفتند:

«ما امروز در حال جنگ هستیم... دشمن‌ها میخواهند ملت ما را به اسارت بکشند و تمام سران را از بین ببرند. باید این ملت با هم اجتماع کنیم و همان وحدتی که در اول انقلاب بود و نتیجه بزرگ آنرا دیدیم، باز هم حفظ کنیم. اینطور نباشد که گروههای مختلف، اجزای مختلف و اشخاص مختلفه در یک موقعی که ما همه احتیاج به وحدت کلمه داریم، اختلاف ایجاد کنند، تشنج ایجاد کنند، البته آنهایی که میخواهند این بهشت را و این انقلاب را از بین ببرند و کشور ما را میخواهند به حال زمان طاغوت برگردانند، آن کار نبسته‌اند. اشخاصی که در داخل هستند، آنها را وادار به عمل‌هایی میکنند و نوشته‌هایی می‌کنند و گفتاری می‌کنند که در این انقلاب اختلاف واقع بشود.»

امام خمینی افزودند: «ما اگر اختلاف سلیمه داریم، اختلاف پیشین داریم، باید بنشینیم و با هم در یک محیط آرام صحبت کنیم و مسائل خودمان را به میان بگذاریم و حل کنیم. ما تقاضا می‌کنیم که ما همه اینگونه، با یکدیگر همکاری کنیم.»

امام خمینی، سپس تأکید کردند که: «من به سراسر کشور، به سراسر ملت، هشدار میدهم که اگر چنانچه از این اختلاف اندازها بپروی کنید، هر کس باشد، مملکت شما پدامن آمریکا می‌افتد.»

امام خمینی، سپس خطاب به تفرقه‌افکنان گفتند:

«این قشرهایی که خدمت نمی‌کنند الا برای جنگ و برای جنگ‌زدگان، اینها از کدام قشر کشور هستند؟ چرا اینکه از همان مستندان، از همان درجه‌هایی که شما آنها را ضعیف میدانید و از نظر شما مستضعف هستند، اینها هستند که از اول پیروزی را پدست آوردند و شما را به سندن حکمرانی نشاندند و اینها هستند که امروز دیال این هستند که کشور شما را پیروز کنند و شما مالست یا ندانسته دیال این هستید که کشور خودتان را پناه کنید.»

امام خمینی سپس به تلاش‌هایی که از جانب دشمن برای تشویق مسئولان بعمل می‌آید، اشاره کردند و گفتند:

«هر شخصی که در این کشور مسئول گاریت تصویف بشود، هر ارگانی که در این کشور مشغول خدمت است تصویف بشود، این تصویف، تصویف همه هست و این افکار است بدون اینکه گوینده و نویسنده توبه داشته باشند.»

امام خمینی سرانجام افزودند: «دیه آنها نصیحت می‌کنم که یکدیگر را نکزند. پنجه به روی هم نزنند. همه یا هم این کشور را به پیش ببرند. اختلاف سلیمه‌ها را در یک محیط خوب، برادرانه، حل کنید. نگذارید که احساس و قیقه بشود. اگر احساس و قیقه بشود، من به هر کس هر چه بدمان، پس می‌گیرم.»

امام خمینی سرانجام افزودند: «دیه آنها نصیحت می‌کنم که یکدیگر را نکزند. پنجه به روی هم نزنند. همه یا هم این کشور را به پیش ببرند. اختلاف سلیمه‌ها را در یک محیط خوب، برادرانه، حل کنید. نگذارید که احساس و قیقه بشود. اگر احساس و قیقه بشود، من به هر کس هر چه بدمان، پس می‌گیرم.»

کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است!

اخوان لشت‌نشا لز فروش برنج ۱۰۰۰ ریال

«لوح افتخار» را کامل کنیم

بمناسبت ۱۴ بهمن، روز شهیدان حزب و جنبش، متذکر شده بودیم که «لوح افتخار» کامل نیست و از همه مردم قهرمان ایران، از همه انقلابیون ایران، از همه رفقا و هواداران حزب توده ایران، تقاضا کرده بودیم که نام و عکس شهیدانی را که در «لوح افتخار» نیامده است، برای ما بفرستند.

نخستین پاسخ مثبت به این تقاضای ما دیروز رسید، که آنرا به اطلاع خوانندگان گرامی میرسانیم: رفیق حسین حریری (دانشجو) در سال ۱۳۳۴ زیر شکنجه شهید شد.

رفیق کمال فروردین (دانش‌آموز) در سال ۱۳۳۱ توسط عمال شاه در بابل ضربه چاقو شهید شد. * * *

ضد انقلاب در کرمان به توطئه چینی مشغول است

در آستانه سومین سالگرد پیروزی انقلاب، وابستگان آمریکایی رژیم منحل‌هولوی، گروهکهای مائوئیستی-آمریکائی، ولیرالها در کرمان فعالیت‌های وسیعی را علیه جمهوری اسلامی ایران آغاز کرده‌اند. آنها - از جمله یک گروهک ناشناس، که خود را سازمان چاپ‌بازان «میزان» نامیده است - با انتشار اعلامیه‌هایی سراسر توهین آمیز علیه جمهوری اسلامی ایران در مجله «میزان» و سایر نشریات، با توهین و تحقیر، از مقامات مسئول نیز می‌خواهیم که هشیارانه به مقابله ضد انقلاب برخیزند و اجازه ندهند که ضد انقلاب گستاخانه دست به تبلیغ علیه جمهوری اسلامی ایران بزند، ما هشدار می‌دهیم که ضد انقلاب خود را برای توطئه جدیدی آماده می‌کند. برای مقابله با ضد انقلاب مجتهد و متحد شویم.

در آستانه سومین سالگرد پیروزی انقلاب، وابستگان آمریکایی رژیم منحل‌هولوی، گروهکهای مائوئیستی-آمریکائی، ولیرالها در کرمان فعالیت‌های وسیعی را علیه جمهوری اسلامی ایران آغاز کرده‌اند. آنها - از جمله یک گروهک ناشناس، که خود را سازمان چاپ‌بازان «میزان» نامیده است - با انتشار اعلامیه‌هایی سراسر توهین آمیز علیه جمهوری اسلامی ایران در مجله «میزان» و سایر نشریات، با توهین و تحقیر، از مقامات مسئول نیز می‌خواهیم که هشیارانه به مقابله ضد انقلاب برخیزند و اجازه ندهند که ضد انقلاب گستاخانه دست به تبلیغ علیه جمهوری اسلامی ایران بزند، ما هشدار می‌دهیم که ضد انقلاب خود را برای توطئه جدیدی آماده می‌کند. برای مقابله با ضد انقلاب مجتهد و متحد شویم.

در آستانه سومین سالگرد پیروزی انقلاب، وابستگان آمریکایی رژیم منحل‌هولوی، گروهکهای مائوئیستی-آمریکائی، ولیرالها در کرمان فعالیت‌های وسیعی را علیه جمهوری اسلامی ایران آغاز کرده‌اند. آنها - از جمله یک گروهک ناشناس، که خود را سازمان چاپ‌بازان «میزان» نامیده است - با انتشار اعلامیه‌هایی سراسر توهین آمیز علیه جمهوری اسلامی ایران در مجله «میزان» و سایر نشریات، با توهین و تحقیر، از مقامات مسئول نیز می‌خواهیم که هشیارانه به مقابله ضد انقلاب برخیزند و اجازه ندهند که ضد انقلاب گستاخانه دست به تبلیغ علیه جمهوری اسلامی ایران بزند، ما هشدار می‌دهیم که ضد انقلاب خود را برای توطئه جدیدی آماده می‌کند. برای مقابله با ضد انقلاب مجتهد و متحد شویم.

ضد انقلابیون از جو مساعد مدارس زاهدان سوء استفاده میکنند

به دنبال اجرای طرح دوسره کسردن مدارس در زاهدان، مصلحین عده‌ای از مدارس زاهدان روز اول بهمن ماه ۵۹، به‌عنوان اعتراض به این تصمیم از شرکت در کلاسها خودداری کردند.

این اعتراضات، که گروهی از معلمان نیز در آن شرکت داشتند، از روز ۵ بهمن ۵۹ به این طرف، به‌سورت تظاهرات خیابانی و تحصن در اداره آموزش و پرورش این منطقه درآمده است. به‌روال معمول، گروهک‌های ضد انقلابی «گارتز» و «فوجیر» که در برافروختن این آتش نقش عده‌ای داشتند، اینک به تحریک و توطئه ادامه می‌دهند، با چاپ و پخش اعلامیه‌های ضد انقلابی به تبلیغ علیه جمهوری اسلامی ایران می‌کنند.

به دنبال اجرای طرح دوسره کسردن مدارس در زاهدان، مصلحین عده‌ای از مدارس زاهدان روز اول بهمن ماه ۵۹، به‌عنوان اعتراض به این تصمیم از شرکت در کلاسها خودداری کردند.

این اعتراضات، که گروهی از معلمان نیز در آن شرکت داشتند، از روز ۵ بهمن ۵۹ به این طرف، به‌سورت تظاهرات خیابانی و تحصن در اداره آموزش و پرورش این منطقه درآمده است. به‌روال معمول، گروهک‌های ضد انقلابی «گارتز» و «فوجیر» که در برافروختن این آتش نقش عده‌ای داشتند، اینک به تحریک و توطئه ادامه می‌دهند، با چاپ و پخش اعلامیه‌های ضد انقلابی به تبلیغ علیه جمهوری اسلامی ایران می‌کنند.

ب و پ از بندر لنگه ۷۷۰۰ ریال اردوان ۱۰۰۰۰ ریال اکبر و حسین و حمید ۲۰۰۰ ریال فروش پشمک ۲۰۰۰ ریال حسین د ۵۰۰۰ ریال گروهی از هواداران حزب در نظام آباد ۳۰۰۰ ریال ب. م. از شهر کرد ۵۰۰۰ ریال

رفیق نورالدین کیانوری:

تسخیر جاسوسخانه آمریکا گامی بود در جهت تعمیق انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ۲۲ بهمن

از جلسه پرسش و پاسخ (۹ بهمن ۱۳۵۹)

البته، در اینجا باید گفت که در کار جناح رادیکال، ضد امپریالیست و پشتیبان دولت هم کمبودها، نواقص و زیاده روی‌های زیادی هست، که قابل تأسف است و به پیشرفت توطئه‌های امپریالیسم و ضد انقلاب کمک می‌رساند.

دولتمردان باید به این مسئله توجه جدی و کافی بکنند و نگذارند عناصری، که ممکن است با ضد انقلاب در رابطه باشند، به نام نمایندگان دستگاه اجرایی دولت، کمیته‌ها، پاسداران و روحانیان مبارز در نقاط مختلف، از جمله در مساجد، مجالس تفریحی مردم را فراهم بیاورند. با کمال تأسف باید گفت که این عناصر کم نیستند و زبان آن‌ها هم خیلی جدی است. چون نیروهای انحصار طلب نمی‌خواهند از طیف قابل توجهی از نیروهای انقلابی، که ممکن است در برخی از مسائل با آن‌ها اختلاف نظر داشته باشند ولی در زمینه مقاومت در برابر امپریالیسم و پاسداری از جمهوری اسلامی ایران و دستاوردهای انقلاب آماده هر گونه فداکاری هستند. استفاده کنند، نیروهای فرصت طلب، ماجراجو، حقه‌باز و ضد انقلابی ریشی می‌گذارند و تسبیحی بدست می‌گیرند و با مسلمان نمایی در نهادهای انقلابی رخنه می‌کنند. بخصوص که عده زیادی از پاسداران مبارز به جبهه‌ها فرستاده شده و جایشان خالی شده است.

این‌ها نه تنها در جهت خلاف سمت گیری‌های دولت عمل می‌کنند، بلکه به اشکال غیر مستقیم حتی مردم را علیه دولت تحریک می‌کنند. بنابراین، تکرار می‌کنم که بنظر ما مسئولین باید در این مرحله فوق‌العاده حساسی که در پیش داریم، به این مرحله حیاتی توجه جدی مبذول دارند.

به طور خلاصه، اشغال به اصطلاح "سفارت" آمریکا، یعنی ستاد توطئه‌های براندازی امپریالیسم آمریکا، در ایران رویدادی بود انقلابی و تاریخی، که در تشدید مبارزه ضد امپریالیسم آمریکا و شناخت مردم ما از دوستان و دشمنان خود و همچنین موضع گیری قاطع زحمتکشان در برابر بزرگ مالکان و کلان سرمایه‌داران تأثیر بسیار مثبتی داشته است.

به همین دلیل هم حزب توده ایران از آغاز از این عمل پشتیبانی بی‌گانه کرد. این که ایران از این بابت این قدر میلیاردها دلار ضرر کرد، بهانه‌جویی نیروهای سازشکار، بولدورهای جاده‌صاف کن امپریالیسم و ضد انقلاب است، که می‌خواهند از ناآگاهی مردم برای پیشبرد منافع سیاسی خود استفاده کنند. واقعا هم که این دل‌سوختگان "حق" دارند این قدر ضجه و ناله سر بدهند. این‌هایی که الان در روزنامه "میزان" جمع شده‌اند، "حق" دارند شعار بزرگی بالای اتاقتان بزنند که: "بیا سوت بزن، گرد هم آییم! اکثریت این‌ها روزی کابینه گام به گام هستند که "گروگان‌گیری" آن‌ها را از تخت وزارت و صدارت به زیر انداخت، آن‌ها را مفتضح کرد، پرونده‌هایشان را بیرون کشید و کارت سبز شان را لو داد. "گروگان‌گیری" نشان داد چگونه وابستگی به آمریکا خود را در میان انقلابیون و قدرت مرکزی جا زده بودند.

با این که ماثوئیست‌ها را بگیریم، که سروصداشان از بابت "گروگان‌گیری" بلند شده است. این‌ها هم در عرض یک سال پس از "گروگان‌گیری" قیافه واقعی خود را نشان داده‌اند. ماثوئیست قبلا لااقل این قدر "جبهه" داشت که وزیر خارجه وقت معتقد بود که "چین بزرگترین متحد انقلاب ایران است" (!) خوب حالا که ماثوئیست‌های طراز "رنجبر" و "پیکار" و اشغال‌های دیگر چهره واقعی خود را به عنوان همکاران امپریالیسم آمریکا، ضد انقلاب و صدام نشان داده‌اند و علنا برای سرنگونی رژیم انقلابی ایران تلاش می‌کنند، "حق" دارند، زوزه‌شان بلند شود.

از سوی دیگر، گول خوردگی برخی عناصر و نیروهای، که طبیعتا نه لیبرال هستند، نه ماثوئیست و نه وابسته به بزرگ مالکی و کلان سرمایه‌داری، جدا باعث تأسف است. منظور من به ویژه هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران است، که متأسفانه به سختی با سازی خورده‌اند. این‌ها مثل آن‌ها که قبلا در دستشان افتاده است، که سمت گیری به کلی غلط گرفته‌اند و عمل آن‌ها در جهت تقویت نیروهای براندازی ضد انقلابی شده است.

البته، همان طور که در "گفتگو" کمیته مرکزی حزب ما یاد آور شده‌ایم، آن‌ها حساب‌های خود را دارند. آن‌ها فکری می‌کنند چون لیبرال‌ها مفتضح شده‌اند، دیگر نمی‌توانند حتی در صورت آمدن سر قدرت، این قدرت را نگه دارند. ضد انقلاب هم که برای آگاهی مردم ایران نمی‌تواند پیروز شود. نیروهای "جبهه متحد ارتجاع" (!) (یعنی طرفداران مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا و اصلاحات بنیادی ضد بزرگ مالکی و کلان سرمایه‌داری) هم شکست خواهند خورد. بنابراین مردم پرچم پیروزی را می‌آورند و دو دستی تقدیم دوستان مجاهد می‌کنند!

بنظر ما، این ارزیابی مجاهدین اشتباه بزرگی است. شبیه آن را تقریبا در شیلی دیدیم، که نیروهایی از این قبیل آن قدر در راه تضعیف دولت آلینده پیش رفتند، تا آقای پینوشه به طریق وحشتناکی، که می‌دانیم، توانست نقشه‌های امپریالیسم آمریکا را با موفقیت اجرا کند.

خوشبختانه نیروهای انقلابی و اکثریت خلق، بخصوص زحمتکشان محروم ما، با همه توان خود پشتیبان موضع گیری قاطع ضد امپریالیستی هستند و با توطئه‌های لیبرالی مخالفت می‌کنند. بنابراین، چنانچه دولتمردان و رهبران این جنبش عظیم مرتکب اشتباهات بزرگی نشوند، شانس برای بازگشت لیبرال‌ها باقی نخواهد ماند و نقشه‌های تجاوزکارانه امپریالیسم هم با شکست روبرو خواهد شد. با این همه، باید در "ماه‌های آینده اقدامات قاطع مردمی در جهت تامین منافع توده‌های میلیونی جامعه ایران به عمل آید و از این راه روند عمومی انقلاب تقویت شود. و اگر نه امکان آن هست که در این مرحله سرنوشت سازه انقلاب دچار خطری جدی گردد.

ادامه دارد

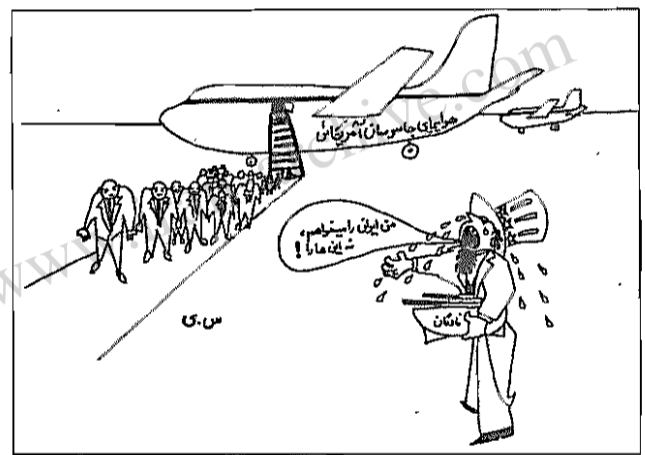
تسخیر ستاد توطئه‌های براندازی امپریالیسم آمریکا علیه ایران رویدادی بود تاریخی در راستای افشای امپریالیسم آمریکا و دستیاران لیبرال آن و تعمیق ماهیت ضد امپریالیستی و خلقی انقلاب

لیبرال‌ها می‌کشند، تا به بهانه‌های عوام‌فریبانه، شکست‌ها و رسوایی‌های خود را پس از اشغال جاسوسخانه آمریکا پنهان دارند.

امپریالیسم آمریکا، چه پیش از آزادی "گروگان‌ها" و چه پس از آن، خواهان پس گرفتن سنگرهای از دست داده خود در ایران انقلابی بوده و هست.

امپریالیسم آمریکا کماکان تاکتیک دوگانه «مسخ انقلاب» بدست لیبرال‌ها و «درهم شکستن انقلاب» از طریق تجاوز نظامی را در پیش دارد.

با خودداری از انحصار طلبی و استفاده از همه نیروهای اصیل انقلابی، فرصت طلبان و عناصر ضد انقلاب را رسوا کنیم و جبهه مقاومت خلق را در برابر توطئه‌ها، امپریالیسم آمریکا و دام‌گستری‌های لیبرال‌ها توان بغشیم.



در این مقاله به صراحت نوشته شده است که آمریکا باید کوشش کند تا "دولت هواداران خمینی" سرنگون شود و "دولت عناصر میانه‌رو" را سر کار بیاورد. در چنین صورتی هم "منافع حیاتی" عزیزان سودی، که متحد در جهات آمریکا در منطقه است تامین خواهد شد و هم "منافع حیاتی" خود آمریکا در منطقه.

خوب، ما از صراحت این آقا خیلی متشکریم. کاش لیبرال‌های "ما" هم به همین صراحت می‌گفتند: "با روی کار آمدن ما منافع حیاتی آمریکا در ایران تامین خواهد شد." ولی آن‌ها این صراحت را ندارند و می‌خواهند با دو رویی و تزویر راه بازگشت خود را به قدرت باز کنند!

راه دوم تدارک یک توطئه و تجاوز وسیع نظامی است، البته در صورتی که نقشه اول با شکست روبرو شود. (در ضمن در روزهای اخیر گفته و نوشته شد که آمریکا، غیر از آن‌چه که فاش شده است، توطئه‌های دیگری را هم می‌خواسته است علیه ایران اجرا بکند، از جمله توطئه نظامی دیگری بعد از "ماجرای طیس" و غیره.)

این که این توطئه و تجاوز وسیع نظامی به چه شکل انجام خواهد شد، الان نمی‌توانیم آن را مطرح کنیم. ولی این کله‌های گرم در آمریکا در این زمینه خیلی داد سخن می‌دهند. یکی می‌گوید "ایران را باید از صحنه جهانی زدود." دیگری می‌خواهد سراسر ایران را بمباران کند. بعد هم از ارتش - کتی، اشغال کرستان، تجزیه کرستان و بلوچستان صحبت می‌شود. روزنامه‌های آمریکایی این روزها پر است از پیشنهاددهای مختلف در این زمینه، که وجه مشترک همه آن‌ها تدارک یک ضربه قهراً میز و نظامی به جمهوری اسلامی ایران است.

آمریکا با تقویت عراق کوشش می‌کند که جنگ تجاوزی عراق را علیه ایران به درازا بکشد و در این بین، زیرک‌تری، تدارکات نقشه‌های بعدی خود را بدهد و به بسیج نیروهای خود بپردازد.

متأسفانه هستند نیروهای "بازی خورده" ای (اصطلاح جدید بسیار قشنگی است) که با شناخت نادرست خود از سمت گیری انقلاب، همراه با طیف وسیع لیبرال‌ها و وابستگان به امپریالیسم، به دو نقشه مختلف امپریالیسم آمریکا - یعنی مسخ انقلاب و درهم شکستن انقلاب از طریق یک حمله وسیع نظامی - عملا کمک می‌کنند.

س: حال که با میانجی‌گری دولت الجزایر، "گروگان" ها آزاد شده‌اند، ارزیابی شما از این مسئله و جنجال امپریالیسم و رسانه‌های گروهی آن، ضد انقلاب و لیبرال‌های داخلی چیست؟ آیا این طور که "انقلاب اسلامی" و "میزان"، یعنی ارگان‌های لیبرال‌ها و نمایندگان اینان در مجلس شورای اسلامی بیاوراه انداخته‌اند، "گروگان‌گیری" اشتباه بزرگی بوده و صدمات زیادی به ما وارد آورده است؟

ج: در این زمینه سوال‌های زیادی شده است، که من فقط یکی از آن‌ها را در اینجا خواندم. بنظر من کلمه "گروگان‌گیری" اصلا درست نیست و اگر هم بشود آن را بکار برد کاملاً جنبه فرعی دارد. مسئله بزرگ این است که در این جریان ستاد توطئه‌های براندازی امپریالیسم آمریکا، ارتجاع و ضد انقلاب از طرف انقلابیون ایران شناخته و به درستی افشا شد. نتایجی هم که از تسخیر این ستاد توطئه‌های خطرناک علیه انقلاب ایران و جمهوری اسلامی ایران بدست آمد، درستی این کار را ثابت کرد. اگر این ستاد ضد انقلاب مدت بیشتری به خرابکاری خود ادامه می‌داد، معلوم نبود که توطئه‌های رنگارنگ آقای بزرگسنگی برای مسخ انقلاب ویا درهم شکستن آن موفق نمی‌شد.

این‌هایی که از این به اصطلاح "گروگان‌گیری" ناراضی‌اند، علتش این است که به قیای خود آن‌ها هم برخورد کرده است. آن‌ها به این دلیل همه مشکلاتی را، که مردم ما در مجموعه "سازره" عظیم ضد امپریالیستی خود به طور عینی مجبور به تحمل هستند، به حساب اشغال جاسوسخانه می‌گذارند. اگر هم "گروگان‌گیری" برخی جنبه‌های منفی داشته باشد، تأثیر آن‌ها فوق‌العاده ناچیز بوده است. اصل مسئله آن است که اشغال ستاد توطئه براندازی، سر حله کفیی جدیدی را در نبرد علیه امپریالیسم آغاز نهاد، باعث شد که مردم ما دشمن اصلی خود را بشناسند و مبارزه خود را علیه این دشمن خطرناک شدت بخشند. تحریم اقتصادی، توقیف دارایی‌های ایران در خارج و دیگر فشارهای امپریالیسم و دستیارانش هم عواقب این تشدید مبارزه هستند و نه "گروگان‌گیری". به همین دلیل هم این محدودیت‌های کارکنانه به اشکال مختلف حتی بعد از آزادی "گروگان" ها پایان نخواهد یافت.

مگر کوبا "گروگان" آمریکایی گرفته بود، که هنوز سال‌هاست نتوانسته است دارایی‌های خود را در آمریکا بدست آورد. هنوز تحت محاصره اقتصادی آمریکا است، هنوز با آمریکا روابط سیاسی ندارد و هنوز هدف توطئه‌های پی‌در پی امپریالیسم آمریکاست؟

نه، آن‌چه که هم کوبا و هم ایران را آماج این محدودیت‌ها و توطئه‌ها ساخته است ازاده قاطع خلق‌های هر دو کشور برای از بین بردن تسلط جابرانه و غارتگرانه امپریالیسم آمریکاست. همین پدیده را هم در مورد افغانستان، اتیوپی، موزامبیک، ویتنام، سوریه، لیبی و چین دموکراتیک و غیره، به تناسب اهمیت استراتژیک و اقتصادی این کشورها، مشاهده می‌کنیم، در صورتی که هیچ کدام از این کشورها به "گروگان‌گیری" دست نزده بودند.

ایران از نظر استراتژیک، اقتصادی، سیاسی و نظامی دارای اهمیتی فوق‌العاده برای امپریالیسم آمریکا بوده است و با سمت گیری قاطع ضد امپریالیسم آمریکایی خود، مورد کینه خاص آمریکا قرار گرفته است. حال اگر "گروگان‌گیری" هم پیش نمی‌آمد، امپریالیسم آمریکا، در صورت تشدید این مبارزه ضد امپریالیستی، دیرتر یا زودتر به این فشارها دست می‌زد. چنانکه قبل از "گروگان‌گیری" هم با وجود آن‌که همه رادارهای "سفارت" کار می‌کردند، کشتی‌های جنگی آمریکا در خلیج فارس گشت می‌زدند، مگر دیگو گارسیا و پایگاه‌های نظامی آمریکا در عربستان سعودی و دیگر توطئه‌های امپریالیسم آمریکا در منطقه به "گروگان‌گیری" مربوط بود؟ بنابراین، توطئه‌های تجاوزکارانه امپریالیسم، از جمله و به ویژه امپریالیسم آمریکا، روندی است قانونمند و تاریخی، که احتیاجی به "گروگان‌گیری" ندارد.

حال این به اصطلاح "گروگان‌گیری" روند شناخت ماهیت واقعی امپریالیسم آمریکا را تسریع بخشید. کاری را که این امپریالیسم داشت به دست دولت "گام به گام" دوستان آمریکازده آقای بزرگسنگی به طور خزنده انجام می‌داد، پس از رسوا شدن اینان، تشدید کرد.

ما معتقدیم که سیاست آمریکا در قبال ایران حتی پس از بازپس دادن "گروگان" ها تغییر بنیادی پیدا نخواهد کرد. همان‌طور که بارها در اسناد حزب و مقالات مطبوعات ما گفته شده است، آمریکا ایران را می‌خواهد، نه "گروگان" ها را.

آمریکایی‌ها حاضر بودند که در "رویداد طیس" به جای هشت نفر، حتی هشتاد نفر را از دست بدهند، برای این که رژیم ضد امپریالیستی ایران را سرنگون سازند. آن‌ها در کودتای نوژه برای این منظور گروهی از بهترین عناصر وابسته به خود را قربانی کردند. همین امروز در روزنامه‌ها خواندیم که آمریکا ادعای تازه‌ای را مطرح کرده است و می‌گوید عده‌ای از کسانی که در زندان‌های ایران هستند، تابعیت آمریکا را دارند. بله، این همان کارت سبزدارها و کسانی هستند که می‌خواستند "شهروندهای خوبی برای آمریکا باشند". این‌ها همان ضد انقلابی‌ها و کودتاچی‌ها هستند. حال که آمریکا به این‌ها به چشم "اتباع" خود نگاه می‌کند، بعید نیست که فردهام جنجالی را برای نجات این "اتباع" راه بیاندازد.

سیاست عمومی آمریکا برای مقابله با انقلاب ایران کماکان دو روش مسخ انقلاب و در هم شکستن انقلاب را در پیش دارد. روش به اصطلاح "مسالمت آمیز" اول عبارت است از انتقال قدرت بدست "میانه رو" ها، یعنی همان لیبرال‌های دولت "گام به گام" با ترکیبی جدید، مشکل از عناصری که یک سال ونیم پیش هنوز خود را در جناح انقلابی جا زده بودند - چیزی که آقایان ریگان و هیک به صراحت به آن اعتراف کرده‌اند.

از آمریکا می‌باید متشکر بود که گاهی اوقات آدم‌های صریحی هستند. هفته پیش مقاله مفصلی در "نیویورک تایمز" از یک پروفیسور آمریکایی، که در ضمن رئیس یکی از موسسات "علمی" است چاپ شد، که عنوان آن "دفاع از منافع حیاتی آمریکا در ایران" بود (گویا ایران ایالت پنجاهویکم آمریکا است، که در اینجا "منافع حیاتی" داشته باشد!)

تعدادی از آن‌ها، به دلیل وابسته بودن به رژیم گذشته، مورد اعتراض مردم قرار گرفتند و در نتیجه بعضی از آنان جای خود را به افراد جدیدی واگذار کردند. شورا باغلی بانکها به وسیله دولت ایجاد گردید و شورای مزبور وظایف جامع عمومی بانکها را بر عهده گرفت. نامدتی پس از ملی کردن بانکها، کلیه آن‌ها تحت ضوابط گذشته و بدون این که کمترین تغییر در شبکه و سربهای عمل آن‌ها داده شود، کار خود ادامه دادند. بقیه در صفحه ۶

زیرا به موجب اساسنامه، سهام آنها به دسته "الف" و "ب" تقسیم شده بود که سهام دسته "الف" مخصوص اتباع ایران و سهام دسته "ب" مخصوص اتباع بیگانه بود. نکته قابل ملاحظه آن که، با وجود تعلق اکثریت سهام "بانک‌های مختلط" به اتباع ایران، در اساسنامه تعدادی از آنها قید شده بود که رئیس هیئت مدیره از میان اتباع ایران و مدیرعامل بانک از میان اتباع بیگانه انتخاب می‌گردد. بدین ترتیب اداره بانکهای مذکور عملاً در اختیار سرمایه‌داران خارجی قرار داشت.

چرا امر ملی کردن بانکها در نیمه راه متوقف ماند

یکی از دست‌آوردهای انقلاب ملی کردن بانکها بود که در اوایل سال ۱۳۵۸ به انجام رسید. ملی کردن بانکها موجب قطع نفوذ صاحبان سرمایه‌های بزرگ داخلی و خارجی در بانکداری کشور گردید. زیرا رژیم گذشته از طریق موافقت با ایجاد تعدادی بانک بنام "بانک‌های مختلط"، که به مشارکت سرمایه‌های ایرانی و خارجی تشکیل گردید، موقعیت ممتازی نصیب انحصارات مالی بین‌المللی کرده بود. این انحصارات در مدیریت "بانکهای مختلط" نقش اساسی بر عهده داشتند،

«باید با احتکار مبارزه کرد. تا دست واسطه‌ها که کاری نمیکنند و محصول کار دیگران را به جیب می‌زنند از سرما کوتاه شود»



ساز و هرگز است و در هر کس مقدار زیاد بی‌چوب احتکار را فوراً مصادره کند. وی معتقد است که دو باید ورود کالا از خارج را اختیار بگیرد.

توانین ضدکارگری را طاغوت تنها منافع کارفرما و سرمایه‌داران بزرگ را تمام می‌کردند. از این رو کارگران بعد از انقلاب، خواستار تغییر بنیادی آنها شدند. نمونه مشخص آن بیمه نکردن کارگران بود که در کارگاه‌ها بی‌باکانه از ده کارگر کار می‌کردند. این کارگران از حقوق قانونی محروم بودند و متأسفانه هنوز هستند.

این کارگران نمی‌توانند و "حق" ندارند مریض شوند. مجبورند دستمزدها را در روز خود برای مداوای بیماری خود فرزندانشان بپردازند. این قانون باید تغییر یابد کارگران تمام کارگاه‌ها بزرگ و کوچک دولتی و خصوص از حق استفاده از پزشک داروی رایگان برخوردار شوند.

کارفرماها نیز باید مجبور به اجرای قوانین شوند طبق قانون کار حداقل دستمزد کارگران ۶۳۵ ریال است. حالیکه یکی از کارگران، با ۲۷ سال سابقه کار، هنوز ۵۰ تومان دستمزد می‌گیرد. وی بیم نیست و از دیگر حقوق و مزایای کارگری نیز بی‌بهره است. بعد از بازنشستی نیز قاعده‌ها مقدار از دستمزدها و کم خواهد شد.

مسئولان باید به وضع این کارگاه‌ها رسیدگی کنند. باید چنین کارفرماهایی را مورد بازخواست قرار داد.

استثمار کارگران و پایمال کردن حقوق قانونی آنها می‌تواند ضربات جدی به استقلال و اراده کارگران باشد. لازم است حقوق کارگران تا میزان زندگی در خوریک انسان برای آنها فراهم شود.

وی ادامه می‌دهد: "من کم‌کم پیور می‌شوم. موها بپیم سفید شده و قدرتم برای کار کردن هر روز کمتر می‌شود. نمی‌دانم در آینده وضع چه خواهد شد."

نورا الله، کارفرمای یکی از کارگاه‌ها، می‌گوید: "ما الان مقداری سفارش از شهرک غرب تحویل گرفته‌ایم و قراردادها را بین موردبسته شده‌است. یکی از مشکلات ما این است که مواد اولیه هر روز گرانتر می‌شود. صبح چسب و چوب‌سلاخی."

وی ادامه می‌دهد: "با پدید آمدن سرمایه‌داران، کارگران مبارزه کردند و جلوی احتکار کالاها توسط آنها را گرفتند. سرمایه‌داران "تراورس" را از خارج وارد می‌کنند و به چندین برابر بر قیمت به ما می‌فروشند. دولت باید خودش کالاها را وارد کند و با پید جلوی واسطه‌ها گرفته شود."

برس کاری یکی از کارگاه‌ها می‌گوید: "از صبح تا شب کار می‌کنم و روزی صد تومان دستمزد می‌گیرم. من باید خرج یک خانواده چهار نفری را تا می‌بینم."

وی معتقد است که در این جنگ تحمیلی، آمریکا پشتیبان عراق است. وی می‌گوید: "باید تا زمانی که عراق در خاک ما ست، با آن مبارزه کرد."

کارفرمای یکی دیگر از کارگاه‌ها درباره گران‌گفت: "یکی از عوامل گران‌گشتن احتکار است. تخمه‌های شش هزار تومان به چهار ده هزار و پانصد تومان رسیده است و علت آنهم احتکار این تخمه‌ها است. برای اینکه این تخمه‌ها را بگیریم، باید اول پول را به شماره حسابی واریز کنیم و سپس جنس را تحویل بگیریم. دولت باید این کارها را که در جاده

در تنگیلات صنفی خود متشکل شوند، تا بتوانند جلوی اجحاف استادکارها را بگیرند. کارفرمای ما قوانین وزارت کار را اجرا نمی‌کند. او در جواب اعتراض ما می‌گوید که: "دولت را قبول ندارم!" ما مجبوریم پول غذا و ایاب و ذهاب را از جیب خودمان بدهیم. بیمه هم نیستیم."

در مورد جنگ ایران و عراق می‌گوید: "درباره جنگ می‌گویند: "پشتیبان عراق آمریکا است. جنگ ما با عراق، جنگ با آمریکا است. باید برای پیروزی وحدت داشته باشیم. اگر امام فرمان بدهد، به جبهه خواهیم رفت."

درباره بیمه می‌گوید: "بیمه به ما تعلق نمی‌گیرد. مخارجی را که باید درمان یا بیمه متحمل شوم، بیمه نمی‌پردازد. حق اولاد هم به ما نمی‌دهند و می‌گویند کارگاه‌هایی که کم‌تر از ده کارگر دارند، حق اولاد به آنها تعلق نمی‌گیرد."

عباس، کارگر آهنگر، می‌گوید: "با پدید آمدن احتکار، دولت باید مستقیماً مواد مورد احتیاج ما را از اختیار ما قرا ردهد، تا دست واسطه‌ها، که هیچ کاری نمی‌کنند و پولهای گلانی به جیب می‌زنند، از سرما کوتاه شود. به وفیل از مواد مورد احتیاج ما ست، ولی فقط در اختیار واسطه‌ها است و با چندین برابر قیمت واقعی آن بدست ما می‌رسد."

وی در مورد وظیفه کارگران در پشت جبهه معتقد است. که تولید را باید بالا ببرند. ناصر، کارگر جوانی که حدود ۱۷ سال سن و ۳/۵ سال سابقه کار دارد، می‌گوید: "روزی هشت ساعت کار می‌کنم و شصت تومان مزد می‌گیرم. تا حالا چندین بار با کارفرما درگیری داشته‌ام، چون حقم را می‌خواستم. کارگران باید

کارگران: تانفس داریم با آمریکای جنگیم

از دولت توقع داریم به وضع ما رسیدگی کند

رسیدگی نمی‌کند. ما هنوز نمی‌توانیم از حق قانونی خود دفاع کنیم. مثلا اگر به کارفرما بگوییم: ما باید پس از چند سال کار کردن بیمه شویم، در جواب ما را از کار اخراج می‌کند. کارفرمای

ویدرادا مهرهای خود، با اشاره به لباسهای گشت: "این وضع ما ست: نه وسایل ایمنی، داریم نه لباس کار."

ابراهیم، یکی دیگر از کارگران، که یک بار پیش در تصادف صدمه دیده است، گفت: "من یا زده‌ام یا سابقه کار دارم. روزی صد و چهل تومان حقوق می‌گیرم. خرج پنج نفر را باید بدهم."

درباره جنگ می‌گوید: "پشتیبان عراق آمریکا است. جنگ ما با عراق، جنگ با آمریکا است. باید برای پیروزی وحدت داشته باشیم. اگر امام فرمان بدهد، به جبهه خواهیم رفت."

درباره بیمه می‌گوید: "بیمه به ما تعلق نمی‌گیرد. مخارجی را که باید درمان یا بیمه متحمل شوم، بیمه نمی‌پردازد. حق اولاد هم به ما نمی‌دهند و می‌گویند کارگاه‌هایی که کم‌تر از ده کارگر دارند، حق اولاد به آنها تعلق نمی‌گیرد."

عباس، کارگر آهنگر، می‌گوید: "با پدید آمدن احتکار، دولت باید مستقیماً مواد مورد احتیاج ما را از اختیار ما قرا ردهد، تا دست واسطه‌ها، که هیچ کاری نمی‌کنند و پولهای گلانی به جیب می‌زنند، از سرما کوتاه شود. به وفیل از مواد مورد احتیاج ما ست، ولی فقط در اختیار واسطه‌ها است و با چندین برابر قیمت واقعی آن بدست ما می‌رسد."

وی در مورد وظیفه کارگران در پشت جبهه معتقد است. که تولید را باید بالا ببرند. ناصر، کارگر جوانی که حدود ۱۷ سال سن و ۳/۵ سال سابقه کار دارد، می‌گوید: "روزی هشت ساعت کار می‌کنم و شصت تومان مزد می‌گیرم. تا حالا چندین بار با کارفرما درگیری داشته‌ام، چون حقم را می‌خواستم. کارگران باید

در خیابان کارگر تهران بنگاه بنام "امید" وجود دارد. که دارای هفت کارگاه چوب‌بری و بخاری سازی و دو کارگاه آهنگری است.

کارگران این کارگاه‌ها مشکلات فراوانی دارند. کمی دستمزد، نداشتن بیمه و عدم برخورداری از وسایل ایمنی و رفاهی از این جمله‌اند. کارگاه‌ها به گفتگو نشستیم، تا خود مشکلاتشان را بازگو کنند. کارگری از کارگاه‌ها می‌گوید:

"من نه سال سابقه کار دارم و در روز صد و سی تومان دستمزد می‌گیرم. ظاهراً بیمه هستم، ولی دفترچه بیمه ما را در هیچ جایی نمی‌پذیرند. چند روز پیش فرزندم مریض شد. پانصد تومان برای درمان او خرج کردم. خرجی را که برای بیماری فرزندم متحمل شدم، مجبورم کردیم که اجاره خانه را ندهم. من بجززن و فرزندم، خرج پدر و مادرم را هم می‌دهم."

درباره گران‌گشتن و راه مبارزه با آن، می‌گوید: "دولت باید به همه چیز ادر دست داشته باشد. جیره بنسبدهی مواد ضروری را کم کند تا دست ما ست."

درباره آلودگی اعزام به جبهه می‌گوید: "به ما تعلیمات نظامی نداده‌اند. ما چند وقت پیش نمازگاه‌های آلوده زمین خودمان را انتخاب کردیم، تا مسئولان کمیته به آنجا نمانند و به ما آموزش بدهند. ولی این کار صورت نگرفت. ما می‌خواهیم که خودمان را برای مبارزه در جبهه آماده کنیم، ولی برای این کار وقت نداریم. از ساعت ۸ صبح تا ۵ عصر کار می‌کنیم. اگر کارفرما متذمات کار را فراموش کند و قسمتی از وقت ما را به تعلیمات نظامی اختصاص دهد، ما ایه کار را خواهیم کرد."

درباره آلودگی اعزام به جبهه می‌گوید: "به ما تعلیمات نظامی نداده‌اند. ما چند وقت پیش نمازگاه‌های آلوده زمین خودمان را انتخاب کردیم، تا مسئولان کمیته به آنجا نمانند و به ما آموزش بدهند. ولی این کار صورت نگرفت. ما می‌خواهیم که خودمان را برای مبارزه در جبهه آماده کنیم، ولی برای این کار وقت نداریم. از ساعت ۸ صبح تا ۵ عصر کار می‌کنیم. اگر کارفرما متذمات کار را فراموش کند و قسمتی از وقت ما را به تعلیمات نظامی اختصاص دهد، ما ایه کار را خواهیم کرد."

سابقه کار، که هنوز از بیمه و سایر مزایا برخوردار نیستند. هیچ کس به حرف‌ها گوش نمی‌دهد. من خودم به وزارت کار رفتم و شکایت کردم. آخرش هم از کارخانه‌ای که قبلاً کار می‌کردم، اخراج کردند."

علیرضا و یکی دیگر از همکارانش، که هر کدام دو تا سه ماه است در آنجا کار می‌کنند، وضع مشابهی دارند.

ضمناً در کلیه این کارخانه‌ها، با وجود گرد و غبار و رطوبت زیاد، کارگران از وسایل ایمنی کامل و سالم غذاخوری، یا حداقل یک اتاق و وسیله، ایاب و ذهاب بی‌بهره‌اند.

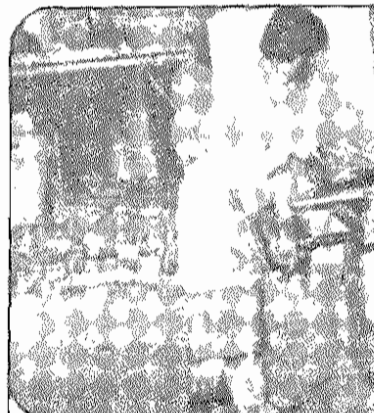
این زحمتکش‌ها به حق از انقلاب و دولت انتظار دارند تا به وضع شان رسیدگی شود. بیمه کردن کارگران امری است که باید هر چه زودتر عملی شود. شرایط کار در کارگاه‌های کشور به گونه‌ای است که در آن‌ها وسایل ایمنی به طور کلی وجود ندارد، و اگر هم باشد، ناقص است.

این عدم برخورداری از حق بیمه و نداشتن وسایل ایمنی، با خطراتی که هر لحظه کارگران را تهدید می‌کند، بی‌تواند زندگی شان را به تپاهی بکشد. با مواد ناقص قانون کار و عدم ضمانت اجرایی آن‌ها، آسیب دیدن یک کارگر برابر است با بی‌کاری و نداشتن تأمین مالی و در نتیجه یک زندگی فلاکت‌بار برای خانواده‌های زحمتکش.

بیمه کردن کارگران و تأمین وسایل ایمنی برای کارگاه‌ها امری است که باید عمومیت پیدا کند و اجرا شود.

ولی با این پول، مثلا از وقتی که گوشت گران شده، مجبوریم هفته‌ای یک بار گوشت بخوریم. در مورد اعمال ضد کارگری کارفرماها در کارخانه‌ها، یکی از کارگران کارخانه "فرح آباد نو" که حدود ۲ سال دارد، می‌گوید:

"مدت ۳/۵ ماه است در این کارخانه کار می‌کنم. روزی هفتاد تومان مزد می‌گیرم. با این هفتاد تومان باید کرایه رفت و آمد، اجاره خانه و خرج خانه



پا وجود انواع خطراتی که تهدیدشان میکند، بیمه نیستند

ما خود را خیلی زنگ حساب می‌کنیم. اگر یک روز کار نکنیم، پولی به ما نخواهند داد، چه جمعه باشد، چه روز عزا و چه روز جشن. من دونا اتاق اجاره کرده‌ام و ماهی هزار تومان اجاره می‌دهم. با اینکه چند سال است به عنوان کارگر فنی در این شغل هستم، فقط روزی ۱۳۰ تومان مزد می‌گیرم.

می‌گیرم. مستاجر و ماهی ۵۰۰ تومان اجاره می‌دهم. در یک اتاق تنگ با سه تا بچه می‌لولیم. در مورد سازمان صنفی شان می‌گوید: "سندیکا داریم، ولی خیلی کم کار است. وقتی برای کاری مراجعه می‌کنی، چند ماه طول می‌کشد تا به نتیجه برسی." محمد ۴۸ ساله، یکی دیگر از کارگران، با اینکه چهره‌ای خسته و شکسته دارد، ولی خیلی سرزنده است. وی می‌گوید:

"۶ سال است در این کارخانه کار می‌کنم. ماهیانه ۲۸۰ تومان حقوق می‌گیرم. ۶ سرعاقله دارم. وقتی از مبارزه با آمریکا صحبت شد، وی متبسم و مصمم گفت: "ما تا نفس داریم با آمریکا می‌جنگیم. ولی از دولت می‌خواهیم که به وضع ما کارگران رسیدگی کند."

یکی از کارگران کارخانه سنگبری، که در بروی کارخانه "بیستون" واقع شده، است. برای ما از روش ضد کارگری کارفرما تعریف می‌کند و می‌گوید:

"اصلاً روحیه‌مان کسل شده است. آدم شوق زندگی را از دست می‌دهد. آخر چطور می‌شود با این وضع روحیه خوبی داشت؟ هیچ کس به درد ما

درجاده تهران - شهرری قریب ۳۰ کارگاه سنگبری وجود دارد، که در هر کدام هشت الی سیزده نفر کار می‌کنند. این کارگران با مشکلات زیادی روبرو هستند که عدم برخورداری از قانون کار و بیمه و خدمات رفاهی، گوشه‌ای از آنهاست. با کارگران سنگبری در مورد شرایط کار و زندگی شان صحبت می‌کنیم.

یکی از کارگران کارخانه "وهمن" بنام محمد عابدینی، که جای دستگاه برش کاری کند و ۲۵ سال دارد، می‌گوید:

"سه سال است در این کارخانه کار می‌کنم. روزی ۸۸ تومان حقوق می‌گیرم. اجاره نشینم و ماهی ۵۰۰ تومان کرایه اتاق می‌دهم. کارفرما هنوز حق اولاد و حق مسکن با رسال را نیز نپرداخته است. وقتی اعتراض می‌کنیم، می‌گوید کار نکنید. زمینی از طرف بنیاد مستضعفین در اختیارم گذاشته‌اند، ولی پول ندارم بسازم. از دولت جدا می‌خواهم به وضع ما رسیدگی کند." قربان یوسف آذری، یکی دیگر از کارگران، که او نیز پای دستگاه صیقل کار می‌کند، می‌گوید:

"۲۶ سال دارم، بعد از ده سال کارخانه ۳ هزار تومان حقوق

درجاده تهران - شهرری قریب ۳۰ کارگاه سنگبری وجود دارد، که در هر کدام هشت الی سیزده نفر کار می‌کنند. این کارگران با مشکلات زیادی روبرو هستند که عدم برخورداری از قانون کار و بیمه و خدمات رفاهی، گوشه‌ای از آنهاست. با کارگران سنگبری در مورد شرایط کار و زندگی شان صحبت می‌کنیم.

یکی از کارگران کارخانه "وهمن" بنام محمد عابدینی، که جای دستگاه برش کاری کند و ۲۵ سال دارد، می‌گوید:

"سه سال است در این کارخانه کار می‌کنم. روزی ۸۸ تومان حقوق می‌گیرم. اجاره نشینم و ماهی ۵۰۰ تومان کرایه اتاق می‌دهم. کارفرما هنوز حق اولاد و حق مسکن با رسال را نیز نپرداخته است. وقتی اعتراض می‌کنیم، می‌گوید کار نکنید. زمینی از طرف بنیاد مستضعفین در اختیارم گذاشته‌اند، ولی پول ندارم بسازم. از دولت جدا می‌خواهم به وضع ما رسیدگی کند." قربان یوسف آذری، یکی دیگر از کارگران، که او نیز پای دستگاه صیقل کار می‌کند، می‌گوید:

"۲۶ سال دارم، بعد از ده سال کارخانه ۳ هزار تومان حقوق

کار در

وظیفه نهادهای انقلابی حمایت از دهقانان تهیدست است

موضوع بسیار با اهمیتی که هم اکنون در سطح جامعه و بخصوص در روستاها وجود دارد، اجرای قانون اصلاحات ارضی بود دهقانان تهیدست ارضی بود دهقانان تهیدست ارضی بود دهقانان تهیدست ارضی بود... (تکرار در متن اصلی)

امام خمینی واگذاری اراضی متعلق به مالکان بزرگ به کشاورزان راحق مسلم و قانونی روستائیان تهیدست دانسته و در این خصوص متذکر شده اند: «... و یا آنقدر ظلم از طرف ارباب شده و اموالی از کشاورزان گرفته اند که کشاورز میتواند زمینها را بابت طلب خود از ارباب تملک نماید».

و حتی تأکید کرده اند که: «... چه بسا در مواردی لازم باشد پولی که بابت بدهی مالک از کشاورز گرفته شده و او پس داده شود».

نهادهای انقلابی در راه اجرای این رهنمودها تاکنون به اقدامات پرتیر فراوانی دست زده اند. جها دسا زندگی در راه نو- سازی روستاها و تدارک رفاه برای زحمتکشان روستا و ایجاد زمینه بمنظور محو بزرگ مالکی فئالیتهای بسیاری داشته است.

سپاه پاسداران نیز در جهت ایجاد نظم و انضباط و فراهم نمودن زمینه برای نابودی جیا ولگری و غارت در روستاها، با روی آوردن دهقانان تهیدست سوده است.

همچنین هیئت واگذاری زمین در بسیاری از نقاط، و علیرغم توقف بندج "منشاء" اقدامات انقلابی فراوانی بوده است. اقداماتی از این گونه دقیقاً منطبق بر اهداف انقلاب غرور آفرین خدا میریالیستی ماست که میخواهد مستضعفان را به حاکمیت رساند. لیکن با کمال تأسف مشاهده میشود افرادی که دارای مسئولیتهای خطیری هستند، بجای آنکه منشاء خدمات و اقدامات مثبتی در جهت رهایی روستائیان محروم و تحقق اهداف انقلاب باشد، مملایه دفاع و حمایت از بزرگ مالکان توطئه گر می پردازند و خود بخود در راه نهادهای انقلابی و در نهایت انقلاب میگردند.

نمونه ای که در زیر می آید، گویای این واقعیت ناگوار است: بدینال آغاز کار هیئت واگذاری اراضی در شهرستان جیرفت، روز جمعه ۲۵ مهر ۵۹، رئیس دادگاه انقلاب کرمان، که برای رسیدگی به جرائم به جیرفت رفته بود، در مسجد جامع شهر، ضمن سخنرانی در تایید احکام مادره از طرف دادگاه انقلاب کرمان، از بزرگ مالکین دفاع می کند. در مقابل، روز ۲۶ مهر ۵۹، در دادسرای انقلاب، حاکم شرع هیئت واگذاری زمین، به وابستگان خوانین حمله میکند. اما در این اثناء رئیس دادگاه

دهقانان «دیزج خلیل» و ثمرات مبارزه آنها

روستای دیزج خلیل، یکی از روستاهای دهستان ارونق است. این دهستان در بخش شبردر شهرستان تبریز قرار دارد. روستائیان تهیدست روستا با رایگان حق طلبانه خود را طین افکن ساخته اند. متلا بارها به اقدامات جمعی و راهیمایی دست زده اند. هدف عمده راهیمایی ها، که سه ماه بعد از پیروزی انقلاب شروع شد، و همه مبارزات دهقانان زحمتکش طی یکسال اخیر، اجرای قانون اصلاحات ارضی و واگذاری زمین به آنها بود. در نتیجه، زمین های بزرگ مالکی که هدف مبارزات دهقانان بود، توسط سپاه پاسداران در اختیار گرفته شد.

بهتر است که هیئت واگذاری زمین هر چه زودتر، طبق قانون اصلاحات ارضی بسود تهیدستان روستا و اقتصاد کشاورزی مملکت، تشخیص دهد و تصمیم بگیرد که آیا بهتر است بر روی مالکیت متاع مجتمع کشت بنام قلعه یک تعاونی فعال درست شود، یا اینکه بصلاح است این مجتمع بصورت یک واحد دولتی اداره شود؟

با اینکه مشکل آب برای آبیاری تا حدودی با حفر چاه عمیق مرتفع شده است، لیکن دهقانان خرده پا خواهان رفع کامل آن هستند. خواستهای دیگر روستائیان دیزج خلیل عبارتند از: توزیع عادلانه مایحتاج عمومی، رسیدگی به شکایات اهالی و تأمین امنیت روستا. شورای ده اسفند ماه گذشته تشکیل گردید. رئیس اقداماتی که شورا در این مدت یکسال برای اهالی انجام داده، برقرار است:

صدور کارت برای توزیع نفت و سیگار و خواربار و کنترل بر توزیع، رسیدگی به شکایات مردم، احداث دو سیستم تقویت کننده برق برای روشنایی روستا و اقدام به لوله کشی، که ۸۰ درصد آن به اتمام رسیده است.

میان شورانهادهای انقلابی همکاری و حسن تفاهم بسیار زیسادی وجود دارد، که خود وثیقه کارمردم بخش و مفید آنست. البته باید شوراد قدرت اجرایی لازم و امکانات ضرور را کسب کند، تا بتواند آنطور که شایسته است، بدقانان خدمت نماید.

روستائیان زحمتکش:

استقلال کشور با نابودی کامل بزرگ مالکی پیوند دارد

روستای قلعه شاهخانی، یکی از روستاهای بخش میان دربند از توابع کرمان است. این روستا ۶۵ خانوار را در بر می گیرد و جمعیت آن به ۴۵۰ نفر می رسد. فاصله روستا تا شهر ۵۲ کیلومتر است، که از این مقدار، ۳ کیلومتر آن خاکی است. از ۶۶ خانوار ساکن در روستا، ۲۵ خانوار خوش نشین هستند. مجموع اراضی روستا ۲۰۰ خوار است، که ۸۰ خوار آن آبی است. یکی از بزرگ مالکان روستا ۱۵ هکتار زمین دیم دارد و بزرگ مالک دیگر، که سرگرد شهربانی است و در تهران سکونت دارد، دارای ۱۵ هکتار زمین دیم و آبی است. علاوه بر این، کدخدای روستا ۸ هکتار زمین در قلعه شاهخانی و ۲۰ هکتار زمین هم در روستای قیسوند دارد، خوش نشینان حدود ۱۰۰ هکتار اراضی بزرگ مالکان را با اجازه سازمان پیشمرگان کشت کردند، لیکن سهم ها بین تمام اهالی تقسیم گردیدند، در دورتی که در نامه پیشمرگان قید شده بود، که سهم باید فقط به بی زمینها داده شود.

روستای قلعه شاهخانی هنوز شورا ندارد، لیکن دوفرا هیئت هفت نفری تعیین شده، که یکی از آنها کم زمین و دیگری زمیندار است. مسئله زمین و کاست برداشت محصول بلا تکلیف مانده است. خوشختانه جها دسا زندگی با دقت مراقب توطئه ها و اقدامات بزرگ مالکان است. روستای قلعه شاهخانی فاقد حمام، لوله کشی و برق است. مدرسه روستا در

نمایشگاه عکس ضدامپریالیستی در رشت



در پیمانه ۵۹ از سوی محله ساغرسان رشت برپا شد. این نمایشگاه مورد استقبال اهالی این محله قرار گرفت و عکس های ضدامپریالیستی در

دهقانان

می نویسند:

کشاورزان قریه تره تنگده طولگیلان، با ارسد نامه ای به اداره آبسا شهرستان هشترطوالش، خواب حفر چاه نیمه عمیق در ای روستا شدند.

در این نامه آمده است "بسمه تعالی ریاست محترم اداره آبیاری هشترطوالش محترماً ابجانب

امضاء کنندگان زیر از کشاورزان مستضعف و بی زمین و کم زمین روستای تره تنگده طولگیلان بوده، که در زمان رژیم منفسو طاغوتی گذشته جز فقر و دردی نصیب نداشتیم و با آنکه کشاورز بودیم ولی زمین نداشتیم، ب سرخدا و ندید بعد از انقلاب شوکت میهنان برهبری قاطع امام خمینی، زمین هایی را که در مجاورت روستای ما، یکی از طاغوتیان به اسم دکتر مستوفی تحت عنوان مجتمع "حفظ آب" بنا حق تصرف کرده بود، سنا به رهنمودهای امام خمینی و بیاری سرورای واگذاری زمین استان

گیلان جهت تقویت و ترویج کشاورزی و دست یابی به استقلال کشورمان بین کشاورزان محروم وزحمتکش تقسیم گردید. ولی به علت کمبود آب نتوانستیم همه این زمینها را زیر کشت بکنیم، برنج که مناسب شرایط آب و هوایی منطقه و نیز نیازهای مملکتی است، ببریم. در نتیجه به کشت توتون و صیفی جات رو آوردیم، که نه تنها منطبق با شرایط مملکتی از نظر اقتصادی و زمان جنگ با کفایه نیست بلکه به ضرر خود و خانواده مان نیز تمام میشود.

اکنون که امام امت خمینی بزرگ و امید محرومان امر فرموده اند تا برای تقویت انقلاب اسلامی و بشت جبهه زمین ها را بدون کشت نگذاریم و از آنجایی که در این زمینها نیز چند حلقه چاه عمیق و نیمه عمیق وجود دارد که احتیاج به تعمیر و راه اندازی دارد خواهشمند است به دردم رسیدگی فرموده و اقدامات لازم را مبذول دارید تا با مسئله کم آبی و بی آبی روبرو نبوده، زمین ها را به فرمان رهبر انقلاب کاشته و دست محکمی سردهان تجا و زکاران و اربابین شیطان بزرگ آمریکا بگویم.



در پیمانه ۵۹ از سوی محله ساغرسان رشت برپا شد. این نمایشگاه مورد استقبال اهالی این محله قرار گرفت و عکس های ضدامپریالیستی در

طنین

سلاخی، فیلم انقلابی «دختر کماندو» را در تهران، به یک فیلم حادثه‌ای مبدل کرد

واردکننده فیلم، با حذف تقریباً همه صحنه‌های انسانی و انقلابی، فیلم «دختر کماندو» را به یک فیلم حادثه‌ای تبدیل کرده، که در آن تنها زد و خورد و تیراندازی باقی مانده است!

فیلم "پنج دختر کماندو"، که اخیراً در چهار سینمای تهران به نمایش درآمد، گرچه دیگر شباهت چندانی به اصل آن نداشته بر اساس رمان معروف سوریس واسیلیف، به نام "وشق‌ها اینجا آرامند..." ساخته شده، که به زبان فارسی هم‌نشیاخته است. فیلم مزبور که بیانشگرعالی‌ترین ارزش‌های انسانی و آرمان‌های انقلابی است، در غالب کشورهای جهان و از جمله در برخی از کشورهای اروپای باختری به نمایش درآمده و با استقبال کم‌نظیری مواجه شده است. فیلم "پنج دختر کماندو"، که در تهران به نمایش گذاشته شد، حدود یک ساعت از اصل فیلم را کم داشت و درست به همین دلیل، بی‌تفاوتی سینما-



دوستان رادری داس. این مورد، که نظایرقبلی و بعدی آن نشان‌دهنده "یک سنت زشت و ناپسند در حیا و بیخس - کنندگان فیلم است، به عنوان یک نمونه عبرت‌آموز قابل بررسی است. اندیشه حاکم بر ساختار

چرا امر ملی ...

بقیه از صفحه ۳
پس از چندی، اقدام دیگری در زمینه بانکداری، از طرف وزیر امور اقتصادی و دارایی وقت به عمل آمد که مانند اقدامات قبلی، تنها در شکل ظاهری بانکداری تغییری را موجب شد. توضیح آن که، شعب بانک صادرات در مناطق خارج از تهران تبدیل به بانک‌های استان گردیدند. سرمایه هر بانک استان ۴۰۰ میلیون ریال تعیین گردید و مجمع عمومی آن‌ها با شرکت استاندار، مدیران کل واحدهای دولتی در هر استان و روسای اتاق بازرگانی استان تشکیل گردید. علاوه بر این، از بانک‌های تجاری ملی شده، "بانک - تجارت" و "بانک ملت" به وجود آمد و از "بانک توسعه صنعتی و معدنی" و "بانک اعتبارات صنعتی"، "بانک صنعت"، تشکیل شد. با ادغام صندوق‌های پس‌انداز مسکن در "بانک رهنی"، "بانک مسکن" را ایجاد کردند. "بانک کشاورزی و تعاون روستایی"، با در اختیار گرفتن "بانک توسعه کشاورزی" کماکان به فعالیت خود ادامه می‌دهد. لازم به یادآوری است که "بانک ملی" و "بانک سپه" نیز هم‌چنان با همان شبکه و وظایف به کار مشغول هستند. انتظار می‌رفت که ملی کردن بانکها باعث بروز تغییرات اساسی در بانکداری کشور، هم از نظر مدیریت، هم از باب تعداد و شبکه بانکها و بالاخره از حیث سیاست اعتباری و شیوه‌های بانکی گردد. تا مردم با اعتمادی بیش از گذشته، با آن‌ها همکاری کنند و در اثر این

«میلا - حزب کار» پیشاهنگ خلق آنگولا

درواه ساختمان سوسیالیسم

بمناسبت بیستمین سالگرد آغاز مبارزه مسلحانه در آنگولا

در بیش از سه سالی که از پایه‌گذاری "میلا - حزب کار" آنگولا می‌گذرد، همواره بر توان این حزب افزوده شده و حزب نامبرده توانسته است هر چه بیشتر و بهتر نقش رهبری خود را ایفا کند. نخستین کنگره فوق‌العاده "میلا - حزب کار"، که چندی پیش در لوآندا برگزار شد، این واقعیت را بسیار دیگر به ثبوت رسانید، چهارصد و شصت و چهار نماینده این کنگره، که از ۱۸ استان کشور به پایتخت آمده بودند، پس از بحث‌های جامع پیرامون اوضاع لوآندا، قطعنامه‌های گوناگونی را در باره کار سیاسی - ایدئولوژیک، رشد اقتصادی - اجتماعی - جمهوری خلق آنگولا تا سال ۱۳۶۴، بهبود شرایط زندگی زحمتکشان و مسائل دفاعی و امنیتی کشور تصویب کردند. چنانکه ادوارد دوش سانتوش، صدر "میلا - حزب کار" و رئیس جمهوری خلق آنگولا در سخنرانی پایانی خود یادآور شد، کنگره در اسناد خویش (کنگره) تصمیم گرفت که گزارش کمیته مرکزی را بعنوان سند اصلی خود اعلام دارد (برنامه "میلا - حزب کار" را برای مقابله با میراث شوم استعمار و سرمایه‌داری و در راه تحول سوسیالیستی کشور در سال‌های آینده ارائه داشته است. نمایندگان نخستین کنگره فوق‌العاده "میلا - حزب کار"، پس از تراز بندی تحول اجتماعی - اقتصادی "جمهوری خلق آنگولا" در سال‌های ۵۹-۱۳۵۷، به بررسی وظایف آتی "حزب" در زمینه ایجاد شرایط اجتماعی - سیاسی و فنی - مادی ساختمان سوسیالیسم در کشور خویش پرداختند. حتی در جریان تدارک کنگره "میلا - حزب کار"، یعنی بالاترین مرجع تصمیم‌گیری کمونیست‌های آنگولا، پیروزی‌های ایدئولوژیک و سازمانی "حزب" در همه زمینه‌ها به چشم می‌خورد. برای نمونه، در سرشت پرولتاری "حزب"، از نظر ساختار اجتماعی، تحول مثبت پدید آمد. به گفته ادوارد دوش سانتوش، "میلا - حزب کار" اینک ۳۱ هزار عضو نامزد دارد، که ۵۱ درصد آن‌ها را کارگران صنعتی و کشاورزی تشکیل می‌دهند. "حزب" ۲۷۶۵ گروه و ۶۵ کمیته را در برمی‌گیرد.

در گزارش "کمیته مرکزی" به کنگره، ضرورت افزایش پیوسته سطح آگاهی "حزب" یادآوری می‌شود. "میلا - حزب کار" برای بهبود کار سیاسی - ایدئولوژیک خود در میان مردم، به تدابیر مشخصی دست زده است. برای نمونه، در نظر است که تیراژ ارگان مرکزی "حزب" به ۲۰۰ هزار نسخه در روز افزایش یابد. از سوی دیگر، قرار است "حزب" به انتشار یک هفته‌نامه بولتن تبلیغاتی بپردازد. بولتن تبلیغاتی "حزب"، که "نوومبرو" نام دارد، نخست هر دو هفته یک بار و سپس هر هفته منتشر خواهد شد. تا پنج سال دیگر خبرگزاری رسمی آنگولا، "آنکوپ"، از فرستنده‌ها و گیرنده‌های مدرن بهره‌مند خواهد گردید. هدف از گسترش هم‌جانانه اشکال کار توده‌ای - سیاسی آنست که، طبقه کارگر هر چه زودتر به نیروی سیاسی

عموم قرار دهد، تا معلوم شود که ملی کردن بانکها چه تاثیری در وضع آن‌ها داشته و نتیجه نظارت شورایی بانکها بر بانکها چه بوده است. علاوه بر این، تشکیل مجمع عمومی برای هر یک از بانکها، ضرورت دارد و لازم است که هر چه زودتر اعضای مجمع عمومی هر بانک به وسیله دولت تعیین شوند و این مجمع جانشین شورایی بانکها گردند. رسیدگی دقیق و عادلانه به وضع مدیران بانکها و انتخاب مدیران وفادار به انقلاب و بصیر بجای آن تعداد از

مدیران که، به هر دلیل، از انجام وظایف خود عاجز مانده‌اند. پس از انتخاب مدیران لایق برای بانکها، باید بر اساس لایحه جدید بازسازی نیروی انسانی، به دور از هرگونه حب و بغض، وضع کارکنان بانکها نیز مورد رسیدگی دقیق قرار گیرد تا دست‌زد انقلاب از بانکداری کشور کوتاه نگردد. شایان ذکر است که این پیشنهادها تنها زمینه‌ای است برای بررسی همه جانبه مسئله مهم نقش و وظیفه بانکها در اقتصاد کشور، که امیدواریم مورد توجه دولت قرار گیرد.

پنج دختر کماندو

نام اصلی فیلم: طلوع در اینجا آرام است
پیراساس داستانی از: بوریس واسیلیف
کارگردان: استانیسلاوروستوسکی
پایزگران: اندرئی مارتینوف، ایریناشوچوک، اولگا اوسترومووا، ایرینادولگانووا و ...
محصول: استودیو گورکی (اتحاد شوروی)
مدت اصلی فیلم: قریب سه ساعت
مدت فیلم در تهران: کمتر از دو ساعت

است. فیلم‌های مبتذل غربی به دلیل فقدان چنین محتوایی خود به خود از چنین تعرضی در - اما نند اما فیلم‌های اجتماعی و انقلابی، با از دست دادن بافت داستانی منسجم و حساب شده، سیر منطقی و معقول حوادث و بالاخره پیام انسانی خود، تمام ارزش‌های اجتماعی و زیبایی شناخته خود را به عنوان یک کل هنری از کف می‌دهند. این درست بلایی است که بر سرفیلم "وشق‌ها اینجا آرامند" آمده است. این فیلم بزرگ سه ساعته با بیانی به راستی گیرا، تماشاگر را با عواطف، احساسات و بلائیکه یکا یک قهرمان‌های محبوب و جذاب خود درگیر می‌سازد، بدان سان که در پایان، با قتل فجیع و قهرمانانه آن‌ان، رعشه‌ای عاصی و خشم‌آلود در دفاشیم برپیکر تماشاگر چیره می‌شود. فیلم "پنج دختر کماندو"، با حذف زمینه‌دراما تیک‌انتر، که در اصل از نظر تضاد عاطفی پرداخت نمایی و انسجام و بقیه در صفحه ۴

یک بانک تجارتی به منظور انجام عملیات معمولی بانکی در داخل و خارج از کشور. ۲- ایجاد هم‌آهنگی بین سیاست‌های اقتصادی کشور و سیاست اعتباری بانکها. همان‌طور که توضیح داده شد، در رژیم گذشته بانکها، بدون توجه به برنامه‌های اقتصادی کشور، سیاست مستقل اعتباری خود را دنبال می‌کردند و در نتیجه سیاست اعتباری آن‌ها تابعی از برنامه‌های اقتصادی کشور نبود. این شیوه‌ای از ملی کردن بانک‌ها نیز ادامه یافت، حال آن‌که باید هر چه زودتر به نقش فعلی بانکها در قبال واحدهای تنظیم‌کننده برنامه‌های اقتصادی کشور پایان داد و سیاست اعتباری آن‌ها، با این اعتقاد که نقش بانکها باید تابعی از برنامه‌های اقتصادی کشور باشد، تنظیم کرد. ۳- نظارت دقیق بانکها بر چگونگی مصرف وجوهی که به صورت سرمایه - گذاری و یا پرداخت اعتبار در اختیار واحدهای دولتی و خصوصی قرار می‌گیرد، تا بدین ترتیب، برنامه‌های زمان‌بندی شده، به موقع به مورد اجرا گذارده شود. بدیهی است که با توجه به این ضرورت که فعالیت بخش خصوصی باید به تدریج محدود گردد، لازم است که قسمت عمده امکانات مالی بانکها در اختیار بخش دولتی قرار گیرد. ۴- ایجاد تغییر بنیادی در روش‌های بانکی به منظور افزایش کارایی بانکها و بهره‌گیری حداکثر از امکانات آن‌ها. ۵- شورایی‌های بانکها باید جوابگوی اقدامات خود در برابر مردم باشد و گزارش جامعی در این زمینه در اختیار

در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی گفته شد:

ارزی که در دوران دولت موقت از کشور خارج شد، در تمام تاریخ ایران خارج نشده بود

در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی که به ریاست حجت الاسلام موسوی خوینیها تشکیل شد، یکی از نمایندگان، در سخنان پیش از دستور خود، خاطرنشان ساخت که گروهکهای آمریکائی برای سرنگونی دولت جمهوری اسلامی ایران کک می کنند. در این جلسه همچنین لایحه اصلاح برخی از مقررات قانون بودجه سال ۱۳۵۹ مطرح شد.

نخستین ناطق پیش از دستور جلسه دیروز مجلس، عبدالجباری نماینده مشهد بود، که ضمن سخنانی، به فساد و تباهی که در زمان رژیم شاه ملعون بطور وسیع در ایران ترویج می شد اشاره کرد و از دولت و مجلس خواست که بطور قاطع با مظاهر فساد مبارزه شود. دومین ناطق پیش از دستور، دکتر صادقی، نماینده مردم مشهد، در سخنان خود، ضمن اشاره به تعدد لوائی که به مجلس عرضه می شود، خواستار تسریع در کار بررسی این لوائی شد. وی همچنین گفت:

«باید کاری کرد که قوانینی که دست و پاگیرند و نارضایی ایجاد می کنند، تغییر پیدا کنند»

وی سپس به توطئه تضعیف دولت اشاره کرد و از جمله گفت: «ریگان می گوید دولت جمهوری اسلامی باید سقوط کند. ما هم کمک کنیم او شویم؟ بگویم همینطور است؟»

ناطق آنگاه خواستار رسیدگی به وضع مناطق مختلف کشور و از جمله منطقه خراسان شد.

سومین ناطق پیش از دستور، احمد غضنفرپور، ملی سخنانی درباره آزادی، به انقلاب و دستاوردهای آن تاخت.

آنگاه حجت الاسلام موسوی خوینیها، ضمن اشاره به اعتراض عده زیادی از نمایندگان به سخنان غضنفرپور، گفت:

«از آقایان بخواهر اینکه آرامش را حفظ کردند، تا آزادی آقای غضنفرپور برای سخن گفتن حفظ شود، تشکر میکنیم.»

پس از پایان سخنان ناطقین پیش از دستور، گروهی از مملولین انقلاب، به پیشنهاد حجت الاسلام موسوی خوینیها رئیس مجلس، و با تصویب اکثریت نمایندگان مجلس، اجازه یافتند که به محوطه تالار مجلس وارد شوند. پس از ورود مملولین، حجت الاسلام خوینیها ملی سخنان کوتاهی از جانشانیهای این جانبازان راه انقلاب تجلیل به عمل آورد.

آنگاه مجلس وارد دستور شد. اولین ماده دستور، گزارش کمیسیون برنامه و بودجه در مورد لایحه «اصلاح بعضی از مقررات قانون بودجه سال ۱۳۵۹» بود، که در حضور اعضای شورای نگهبان قانون اساسی مطرح شد. مقرر شد کمیسیون در مورد این لایحه توضیحات لازم را ارائه داد و به اصلاح برخی از مقررات قانون بودجه، از جمله در اختیار قرار دادن ۸۵ میلیارد ریال به دولت برای جبران قسمتی از هزینه های اسکان و امرار جنگ زدگان و بازسازی مناطق جنگی، جبران کسری اعتبار چهارم سازماندهی و سایر هزینه های ضروری، اشاره کرد.

آنگاه مجلس به ریاست حجت الاسلام رفسنجانی، بحث درباره کلیات این لایحه را آغاز کرد و نمایندگان نظریات موافق و مخالف خود را درباره این لایحه ابراز داشتند.

حسن آیت، که از جمله مخالفین این لایحه بود، به این نکته اشاره کرد که با بررسی بودجه هر کشور می توان نظام یک کشور را تشخیص داد. وی در توضیح مخالفت خود تأکید کرد که اگر جلوی ریخت و پاشیهای موجود گرفته شود و از امکانات پدروستی استفاده به عمل آید، می توان بخشی از بودجه مشمول این لایحه را تأمین کرد.

وی از جمله به دارائیه و اموال و جواهرات و ارزی که در زمان دولت موقت از کشور خارج شد، اشاره کرد و گفت:

«بهرجرت می توانم بگویم آنچه که در این دوران از کشور خارج شد در تمام تاریخ ایران خارج نشده بود.»

پس از پایان سخنان حسن آیت، حجت الاسلام معادپناه، ضمن موافقت با این لایحه، خاطرنشان ساخت که در جامعه ای که در آن انقلاب می شود، آیا می توان تا تثبیت این جامعه از ارائه قانونی برای بودجه خودداری کرد؟ وی آنگاه تنظیم بودجه ای دقیق را امکان پذیر خواند و خاطرنشان ساخت که شرایط دشوار جنگی، وضعی را بوجود آورده که در جاهایی از این قانون دادن تفسیراتی لازم شده است.

آنگاه حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی اظهار داشت که آقای هاشمی سحابی درخواست کرده اند که برای بحث برامون این لایحه، چند ساعت مجلس بطور خصوصی به کار خود ادامه دهد. این پیشنهاد مورد تصویب قرار گرفت و مجلس بطور خصوصی به کار خود ادامه داد.

آیت الله دکتر بهشتی:

آزادی فعالیت و افراد گروههای سیاسی در چهار چوب قانون اساسی محترم خواهد بود

به نظریه شورای عالی قضایی درباره گروهها و احزاب بزودی منتشر می شود

مشخص در قانون اساسی و قوانین موجود راه، که پس از انقلاب تصویب شده، رعایت کنند، اینها آزادیشان، فعالیتشان و افرادشان، محترم خواهند بود. محترم هستند و دستگاه قضایی صرفاً کسانی را تحت تعقیب قرار میدهد که متهم به تخلف از این معیارها باشند»

آیت الله بهشتی در پاسخ این سؤال که: «بیا توجه به کارکنان های ایران و بازرگانان و تجار بزرگ در اجرای طرح ملی کردن بازرگانی خارجی، دولت جمهوری اسلامی ایران چه برنامه ای برای اینکار دارد و نظر شما در این مورد چیست؟» گفت:

«طبیعی است هر اقدام انقلابی با مخالفتی روبرو می شود و طبیعی است که دولت انقلابی برخاسته از مردم بدلیل اجرای قانون اساسی و قلم خواسته های عموم ملت خواهد بود.»

آیت الله بهشتی در این مسأله همچنین گفت: «شما بزودی موضع روشن و صریح شورای عالی قضایی را در رابطه با گروههای مختلف اجتماعی خواهید شنید. بزودی منتشر خواهد شد. در هر حال موضع شورای عالی قضایی براساس قانون اساسی و قوانین دیگر در رابطه با گروهها مشخص است. گروههای سیاسی که این مواضع را میسر نمی آورند، در این مسأله مواضع خود را مشخص کنند.»

کمک سازمان حزب توده ایران در دامغان به جنگ زدگان

سازمان حزب توده ایران در دامغان، هفته گذشته مبلغ ۱۵۰۰۰ ریال جهت خرید پتو برای جنگ زدگان کشور جمع آوری کرد. رفقای حزبی با این مبلغ ۷ قطعه پتو خریدند، که برای ارسال به جیبهای جنگ، به سپاه پاسداران دامغان تحویل شد.

سلاخی یک فیلم...

بقیه از صفحه ۶

آید: اکتیون و انتریک در حد اعلامی بی عاطفگی و بی منطقی در حالی که سینمای کشورهای اردو گاه سوسیالیستی یا حمایت خلقی این کشورها پاکرته، قوام یافته و پیش می رود. این امر که خلایق هنری در چنین فیلمهایی تا بدین حد گزند پذیر و شکننده است، در واقع مایه افتخار و مباهات این سینماست. مشکل وارد کننده یا دارنده فیلم ایرانی در اینجاست که، او با سینمای آمریالیستی و ضد امپریالیستی، یعنی دو پدیده ماهیتا متفاوت، خواهان رفتاری یکسان و کارکردی یکسان است. قهر کردن یک اثر هنری از محتوای انسانی زرف آن توهین مستقیم است به تماشاگر، دست کم گرفتن شناخت و دریافت هنری و تحریف ذوق خلاقه اش. ایران انقلابی حق دارد سینمایی در شان آرمانهای والای مردمش داشته باشد. سینمای استعمارگر، که مستقیم در جهت تأیید تحکیم و استیلاست، دیگر نمی تواند پاسخگویی خلاق توده های سینما را باشد. از این روست که هر گونه تلاش تجار سینمایی از جهت بازاریابی برای سینمای امپریالیستی، یا ترندهای مجله های در جهت بدنام کردن یا تحریف و تحریف مضمون سینمای کشورهای سوسیالیستی، محکوم به شکست است.

برای مقابله با تجاوز نظامی آمریکا، تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

مخالف رهبری شوروی میل در توند امیدوار باشند که سرمداران واشنگتن در باره پیامدهای تبلیغات ستیزه جویانه خویش علیه اتحاد شوروی به تأمل عمیق پردازند، به اقدامات لازم برای رفع این تبلیغات دست بزنند و به کارهای فراوان و پراستی پراهیتی اقدام کنند، که در زمینه بهبود مناسبات ایالات متحده و اتحاد شوروی و برگرداندن اوضاع جهان به حالت عادی موجود است. در چنین صورتی، ایالات متحده آمریکا می تواند برای گفتگوهای سازنده، روی اتحاد شوروی حساب کند.

خبرگزاری شوروی تاس، اظهارات مقامات آمریکائی را بر ضد اتحاد شوروی، «اشغالی ناهنجار و کین توزانه» خواند

در پی اتهامات مقامات بلندی پایه ایالات متحده آمریکا، که گویا اتحاد شوروی در «ترویس» بین المللی شرکت دارد، «تاس» خبرگزاری رسمی اتحاد شوروی، این اظهارات را «اشغالی ناهنجار و کین توزانه» خواند. در اعلامیه «تاس» گفته میشود: «آگر الکساندر هیگ، وزیر خارجه ایالات متحده متکر این تبلیغات نبود، این گونه بیاد و چه بعد از آن، تا حال چنگیز و مغول بر سر کسی نیارده اند، حاضر نیستیم اگر همه مان محسوم، اطاعت این دستگاه ظلم و جور را بکنیم و الا راه آزادی در سراسر ایران برقرار شود، چه مانی هست تمام ملت های گوناگون ایران دست یگانهگی و اتحاد بهم داده و برادروار با هم زدگی کنیم؟»

جانبازی دشمنان دیکتاتوری و امپریالیسم و فداکاری شیفتگان آزادی در مبارزه علیه ظلمت نهال انقلاب را در ۲۲ بهمن به تاس رسانید. پیروزی انقلاب مردمی ایران این امید را در دلها زنده کرد که گردانندگان انقلاب بالاخره این کره قرون را گشوده و با رفع تبعیض میراث شاهان ستمگر، برادری و برابری را در بین مردم کشور واحد ایران مستقر می سازند.

نقش تحریمی نیروهای ضد انقلابی در هر دو متاسفانه وضعی پیش آورد که نه تنها مسئله حقوق حقه مردم کرستان تأمین نگردد بلکه وجود تبعیض پنهانی گردید تا کرستان در اثر جنگ به حلقه ضعیف انقلاب و نقطه امید ارتجاع و امپریالیسم در آید.

امروز ضد انقلاب با بهره گیری از حمایت خارجی و ندامت کارهای مسئولین و پشتیبانی نیروهای ارتجاعی و چپنمای داخلی توانسته است عده زیادی را بدینال خود بکشد و در راه پشرفت انقلابسنگ بیاندازد. عدم توجه به پیام تاریخی ۳۶ آبانماه «۱۵ خیمه» و عدم رعایت حقوق پیشینی شده در قانون اساسی، به گرم ماندن تود ضد انقلاب کمک کرده و از این راه میتواند مدتها و مدتها جمهوری اسلامی را بخود مشغول دارد.

ما نیروان کنگره چهارم حزب دمکرات کرستان ایران ضمن اعلام تأیید کامل در مورد تصدیمپریالیستی و ضد ارتجاعی ایران و اعلام توجه اصلی و اساسی به بقا و تعمیق انقلاب در جهت پایان دادن به همه اشکال وابستگی و استقرار حکومت مستعین یادآوری این مسئله را هم به نفع انقلاب ایران میدانیم که هرگونه تأخیر در حل مسئله کرستان کمک غیر مستقیم به بقا و تقویت ضد انقلاب است.

برای احیای خاطرهای پراخ دوم بهمن لازم است در این مرحله حساس قبل از هر چیز انقلاب را از توطئه های رنگارنگ امپریالیسم یا رمز وحدت نیروهای مومن پاسداری کرد. باید انقلاب را به نفع توده های میلیونی و به نفع خلقهای محروم ایران عمق بخشید. باید آزادیهای اساسی و دمکراتیک پیشینی شده در قانون اساسی را تأمین نمود. بقا و تداوم انقلاب بسته به این است که در کدام جهت و به نفع کدام طبقه، به نفع اکثریت محروم و خلقهای ستمکشیده عمل میشود یا به نفع اقلیت ستمگر.

با معتمدی که باید دوش به دوش نیروهای صدیق و متعهد، در جهت اول در جهت استقرار ایرانی مستقل، آزاد از هر نوع ستم و تبعیض به پیش گام برداشت. تا بنای یاد خاطره دوم بهمن ماه سال ۱۳۳۴ زنده، یاد شهدای راه دوم بهمن و همه شهدای راه آزادی ایران. کمیته مرکزی حزب دمکرات کرستان ایران (بیرو کنگره چهارم) ۲ بهمن ۱۳۵۹

طرفداران رژیم سابق و عناصر لیرال در سیرستان و رامین، قرچک و روستاهای اطراف آن، در اتحاد با هواداران گروهکهای مائوئیستی - آمریکائی «یکار» و «زمندگان» و با استفاده از عناصر ناباب و شریس محل، فعالیت ضد انقلابی خود را تشدید کرده اند.

با اینکه تعداد این افسراد معدود است، لیکن آنها با اختلال در سخنرانیها، حتی در مواردی متوسل به زور میشوند و از پنجه بوکس و چاقو برای تهدید مردم استفاده میکنند. از جمله عناصر فعال در این اختلال، در دولت بودند که در دوران دولت موقت قصد داشتند شبه حزب «میکائی» خلق مسلمان، را در ورامین تأسیس کنند، ولی

تشدید فعالیت های ضد انقلاب و «تربچه های پوک» در ورامین

بعلت عدم استقبال مردم موفق به این کار نشدند. دادگاه انقلاب ورامین اخیراً این دو پسران را عده ای دیگر از عناصر ضد انقلابی را دستگیر، ولی پس از مدتی آزاد کرد.

یکی دیگر از عناصر ضد انقلاب این گروه، که تحت تعقیب دادگاه انقلاب است، از زمین خواران ورامین و نماینده سابق «ایران ناسیونال» در این شهرستان است، که زمین هایش توسط دادگاه انقلاب ورامین مصادره شده است.

لازم است اضافه شود که، به علت وجود بحران مسکن در سالیهای پیش از انقلاب، زمین های بخش قرچک در اطراف جاده ورامین شدیداً گران شد. بر این لپاس، تعداد زیادی پنگاه

معاملات ملکی در قرچک ایجاد شده، که هنوز کم و بیش به کار دلالی ادامه میدهند. تعدادی از گردانندگان این پنگاه اشخاص شوروی هستند که، پس از انقلاب، علیه نظام جمهوری اسلامی ایران به فعالیت پرداختند و تمسبهای مشکوک را به ضد انقلاب و ساواکها دارند.

شرکت عناصر وابسته به رژیم سابق در این اقدامات ضد انقلابی امری بدیهی است و مسئولین امر باید این افراد را دستگیر و مجازات کنند، اما آنچه باعث تأسف است شرکت کسانی در این ماجراها و بلوا هست که قاعدتاً باید در کنار خلق باشند، ولی اکنون با دست نشان خلق همکاری میکنند!

رسیدگی به فعالیت مدیران شرکتهای پیمانکاری ضروری است

با پیروزی انقلاب ایران، گروه بزرگی از کلان سرمایه داران و طاغوتیان، به همراه ثروتهای هنگفتی که از دسترنج مردم ایران بهار برده بودند، کشور را ترک کردند و پدیمان اربابان امیرالیست خود شتافتند. در میان این گروه، عدهای از صاحبان و سهامداران شرکت های پیمانکاری قرار داشتند.

تعداد این قبیل شرکتهای پیمانکاری، منابع عظیم دریافتی شان از بانکها و نیز از دستگاههای مختلف زمان طاغوت، حجم برنامه های که در دست اجرا داشتند و سرانجام تعداد کارکنان بلا تکلیف این شرکتهای، یکی از مشکلات جدی اقتصادی بعد از انقلاب بود.

دولت موقت برای حل این مشکلات، اقدام به گماردن مدیران عامل بر راس این شرکتهای کرد. اکثریت مدیران این شرکتهای در اولین گام کار خود، بدون توجه به استفاده از امکانات شوراهای متشکله کارکنان این شرکتهای و نیز بدون پاکسازی و تصفیه عوامل ضدانقلاب، اقدام به استخدام افراد مورد نظر خود در این شرکتهای کردند. در همانحال اقدامات جدی و فوری برای راه اندازی این شرکتهای بعمل نیاموردند و اقدامات جزئی انجام شده در این زمینه نیز تنها پس از فشارهای فراوان شورای کارکنان این شرکتهای، که با علاقمندی و دلسوزی در بکار انداختن پروژه های تعطیل شده کوشا بودند، صورت

گسترش فعالیت ضدانقلاب در ماسال و شاندرمن

عوامل ضدانقلاب در ماسال و شاندرمن به فعالیت علیه جمهوری اسلامی ایران مشغولند و به اشکال مختلف علیه انقلاب تبلیغ میکنند. بر اساس اطلاعات رسیده، فئودالها، ساواکیها و مائوئیستهای آمریکائی، که مستقیماً در جهت براندازی جمهوری اسلامی ایران عمل می کنند، با سوء استفاده از اشتباهات و درگیری بین نهادهای مملکتی، به سمپاشی بین مردم ماسال و شاندرمن مشغولند و سعی در جدایی صفوف مردم از هم دارند. یکی از زمینه های اصلی بهرم برداری این ضدانقلابیون، شیوه برخورد برخی از مقامات مسئول با مشکلات و روی دادهای این منطقه است. برای مثال وقتی که دهقانان منطقه بر اساس سخنان صریح رهبر انقلاب، و همچنین آیت الله منتظری، آیت الله بهشتی و آیت الله مشکینی و سایر مقامات مسئول، علیه فئودالیسم و نیز برای احقاق حقوق خود مبارزه می کنند، بالعکس العمل نامناسب حاکم شرع منطقه و یا ناپیگیری برخی مقامات دولتی در محل روبرو می شوند، که این مسئله باعث دلسردی آنان می شود. ضدانقلابیون نیز از این وسیله علیه انقلاب استفاده میکنند و به تحریک و توطئه می پردازند.

لازم به توضیح است که اخیراً زمینه تشکل دهقانان ماسال و شاندرمن علیه ضدانقلاب فراهم آمده است. تنها بر مقامات مسئول است که با استفاده از این نیروی وسیع و یاسخگویی به نیازهای دهقانان منطقه، جبهه انقلاب را قوی کنند و پوزه ضدانقلاب را به خاک بمالند. ما توجه مقامات مسئول را به این نکته پراهمیت جلب می کنیم و در مورد گسترش فعالیت ضدانقلاب به آنها هشدار می دهیم.

حمله به نمایندگان توطئه های آمریکا در فومن

این نمایندگان که با استقبال فراوان مردم این شهر مواجه شده بود، درست چند ساعت بعد از تشکیل، مورد حمله قرار گرفت. حمله کنندگان، که در پیشاپیش آنها شخصی به نام «حسن زاده» قرار داشت، با چاقو پوسترها و عکسهای نمایندگان را پاره کردند. این عمل، که در مقابل چشمان

حمله مجدد ریگان به دانشجویان مسلمان پیر و خط امام

رونالد ریگان در مصاحبه با چند روزنامه نگار آمریکائی اعلام کرد که آمریکا نمی بایست برای آزادی «گروگانها» مذاکره می کرد، بلکه می بایست اولتیماتوم میداد. ریگان گفت که بازداشت «گروگانها» یک «اقدام جنگی» بود و «گروگان گیرها» «آدم ریسا» هستند. نماینده جدید انصارات امپریالیستی در کاخ سفید گفت که برای حفظ صلح و ثبات در خلیج فارس (منظور ثبات برای ادامه غارت و چپاول ثروت های خلق های منطقه است) حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس لازم است. ریگان طبق معمول یادهای مربوط به باصطلاح خطر شوروی را نیز برای توجیه خطر نظامی آمریکا تکرار کرد. بدینسان، ریگان چهره تجاوزکار و غارتگر امپریالیسم آمریکا را بدون «بزرگ» نشان میدهد.

تشدید ترور و پیگرد علیه میهن دوستان شیلی

طی روزهای اخیر در پایتخت شیلی، بیش از ۱۵۰ نفر بازداشت شده اند. در کویهای کارگرنشین سانتیاگو و در شهرهای دیگر، مأموران امنیتی به بازداشت های جمعی پرداخته اند. عده زیادی از دانشجویان، کارگران و نمایندگان محافل دمکراتیک و روحانیون به زندان افکنده شده اند. موج جدید بازداشت بخشی از نقشه های دارو دسته حکومت فاشیستی است که هدفش سرکوب اپوزیسیون در آستانه انتخابات قلابی است. این انتخابات قلابی را دارو دسته فاشیستی حاکم بر کشور، برای دادن چهره قانونی به حکومت پتروش، به جلال مردم شیلی، تدارک می بینند.

آورد. بر همین اساس اخیراً چند تن از هواداران حزب توده ایران هنگام فروش نامه «مردم» دستگیر شدند و نشریات آنها توقیف گردید.

رویدادهای ایران

بدنبال پیگیری این مسئله و مراجعه به مسئول سپاه پاسداران، ری به شیوه ای غیرمستولانه با رفقای ما برخورد و تأکید کرد که «حکم رئیسی دادگاه انقلاب اسلامی فیروزکوه برای من هیچ ارزشی ندارد» و «حتی اگر شخص آقای دوزدوزانی هم چنین حکمی را صادر کند، تا من در این شهر هستم، اجازه فعالیت به شما نمی دهم».

ما ضمن اعتراض به این عمل غیر قانونی، توجه مقامات مسئول را به این موضوع جلب می کنیم و به مسئول سپاه پاسداران فیروزکوه نیز گوشزد می کنیم که رعایت قوانین جمهوری اسلامی ایران عین حمایت از انقلاب ایران و نشان دهنده پای بندی به آن است. کسانی که این قوانین را اجرا نمی کنند، دانسته یا نادانسته به ارکان جمهوری اسلامی ایران لطمه می زنند. بر مجریان این قوانین است که حرمت قوانین را نگاهدارند.

حمله به نمایندگان توطئه های آمریکا در فومن

حیرت زده تماشاچیان صورت گرفته بود، با اعتراض عمومی مواجهه شد. از قرار معلوم عده ای دیگر هم در اطراف نمایشگاه آماده بودند که در صورت بروز واکنش تندی از طرف اعضاء و هواداران سازمان جوانان توده ایران، مداخله کنند و شهر را به آشوب بکشایند. ولی عکس العمل منطقی و خوشتردانه

شرکت مستقیم واشنگتن در کشتار مردم السالوادور

دو سازمان عمده مبارزان علیه رژیم خونخوار السالوادور، ایالات متحده آمریکا را به شرکت مستقیم در کشتار خلق السالوادور متهم کرده اند. در اعلامیه «جبهه دمکراتیک انقلابی» حقایق تکذیب ناپذیری درباره شرکت تفنگداران دریایی آمریکا در عملیات سفاکانه خونتای جنایتکار السالوادور فاش میشود. این اعلامیه خاطر نشان می سازد که هواپیماهای باربری ایالات متحده هر روز سلاح های بیشتری به السالوادور می آورند. واشنگتن، با تفاق رژیم های گواتمالا و هندوراس، طرحی را برای تجاوز به السالوادور تهیه کرده است. از سوی دیگر، «جبهه آزادی ملی - فارابوندومارتی» یادآور شده است که واشنگتن با مسلح کردن خونتای السالوادور «به صدور قهر به السالوادور» دست میزند.

انتخابات پارلمان آفریقای جنوبی دوسال زودتر برگزار میشود

انتخابات پارلمانی آفریقای جنوبی دوسال زودتر از موعد مقرر برگزار می شود. این خبر، که توسط پیتربوتا، نخست وزیر رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی، اعلام شده، نشان دهنده بحران عمیق اجتماعی سیاسی است که این رژیم را دربر گرفته است. این بحران بدنبال اعلام اصلاحاتی در زمینه سیاست نژادی بوجود آمده است. این اصلاحات با اینکه در اساس «آپارتاید» تغییری نمی دهد، با مخالفت بخشهای ارجحی تر پارلمان مواجه شده است. احزاب مخالف نیز برای ایجاد دگرگونی واقعی دولت را مورد حمله قرار داده اند. حزب حاکم (حزب ناسیونالیست) - چنانکه ناظران سیاسی می گویند - برای رهائی از این بحران، انتخابات را جلو انداخته است، تا مواضع خود را در پارلمان تحکیم کند و به تفرقه در صفوف اردوگاه نژادپرستان پایان دهد. با اینهمه، انتخابات زودتر از موعد هم نخواهد توانست به بحران دولت نژادپرست آفریقای جنوبی پایان دهد. بحران این کشور تنها با سرنگونی رژیم نژادپرست و روی کار آمدن یک دولت خلقی امکان پذیر است.

نامه مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز
و مدیر مسئول:
منوچهر پیرزادی
خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸
(دفتر نامه مردم)
هنوز در اختیار
نامه مردم نیست

NAMEH MARDOM

No. 437
5 February 1981

Price:
West-Germany 0.80 DM
France 2 Fr.
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 Fr.
Italy 350 L.
U.S.A. 40 Cts.
Sweden 1.50 Skr.

خوانندگان گرامی نامه «مردم» و همه مقامات دولتی و غیر دولتی میتوانند به آدرس زیر با نامه «مردم» مکاتبه کنند:

صندوق پستی
۱۴/۳۵۵۱، منطقه
۱۴ پستی تهران

انتخابات پارلمانی آفریقای جنوبی دوسال زودتر از موعد مقرر برگزار می شود.